

ضرورتی برای آغاز مطالعات زندگی‌نگاری در ایران نظریه «زندگی‌نگاری»، گامی به‌سوی عرصه‌ای بین‌رشته‌ای در تحقیقات علوم انسانی

محبوبه شمشیرگراها^۱

چکیده

زندگی‌نگاری، گذشته از اینکه سابقه‌ای کهن در میان نوع بشر دارد، از اواخر قرن بیستم میلادی به‌نحوی روزافزون، نهضتی عظیم و میان‌رشته‌ای در مراکز علمی و پژوهشی به پا کرده و خصوصاً در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی، نظیر مردم‌شناسی، قوم‌نگاری، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی، در شاخه‌هایی از دانش‌های نوین، نظیر مطالعات فرهنگی، زنان و جنسیت، استعماری و پسااستعماری مورد توجه انتقادی قرار گرفته است؛ اما در ایران، با وجود دیرینگی سنت ثبت روایت‌های زندگی و نیز رشد و رواج نمونه‌های مدرن آن طی یک‌ونیم قرن اخیر، نه‌تنها خبری از شکل‌گیری مطالعات زندگی‌نگاری نیست؛ بلکه حتی ضرورت و مفاهیم اساسی آن چندان درک نشده است. با هدف بازشناخت این مفهوم در هویتی مستقل و تأکید بر ضرورت آغاز این مطالعات در ایران، مقاله پیش‌رو تلاش می‌کند به‌منزله گام نخست در این مسیر، به طرح ایده زندگی‌نگاری و زندگی‌نویسی و ترسیم کلیات آن با استفاده از روش کتابخانه‌ای بپردازد. «زندگی‌نگاری» در برابر اصطلاح *life writing* در نظر گرفته شده تا به‌منزله چتری فراگیر، همه آثار را دربرگیرد که به‌نحوی، حاوی روایتی واقع‌گرایانه از زندگی بشر در ثبت خاطرات، تجربیات، دیدگاه‌ها و احساسات شخصی باشد. در عرصه فراخ «زندگی‌نگاره‌ها» در انواع قالب‌ها و رسانه‌های نوشتاری، دیداری، شنیداری و ترکیبی، اصطلاح «زندگی‌نوشت» به‌طور خاص، طیف وسیعی از مکتوبات در شرح زندگی یا بخش‌هایی از آن، در انواع متعدد «زندگی‌نویسی»، نظیر خود/زندگی‌نامه، خود/زندگی‌نامه داستانی، خاطره‌نامه،

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشکده تاریخ، گروه ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ایران
m-shamshirgarha@nlai.ir

ارجاع به این مقاله:

محبوبه شمشیرگراها، «ضرورتی برای آغاز مطالعات زندگی‌نگاری در ایران: نظریه زندگی‌نگاری»، گامی به‌سوی عرصه‌ای بین‌رشته‌ای در تحقیقات علوم انسانی، مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، ۱۰، ۱۴۰۴، ۴۳۴-۴۰۱. doi: 10.22077/islsh.2025.8664.1576



روزنامه‌خاطرات، کارنامه، کارنامه، زندگی‌نامه‌جمعی، یادنامه، شهادت‌نامه، جنگ، وصیت‌نامه، فرم ثبت‌نام، رزومه فردی، آگهی ترحیم و حتی فرم‌های دیجیتالی در وبلاگ‌ها، توییت‌ها و استوری‌ها و از این قبیل را شامل می‌شود. اهمیت این مقاله، در گشودن دریچه‌ای نو برای بازشناخت این قلمرو به‌طور مستقل، در کنار دو قلمرو روایی تاریخ و ادبیات و گوشزد ضرورت رویکرد تحلیلی و انتقادی به آن است؛ زیرا تا پیش از آن، نمی‌توان به طرح و اجرای برنامه‌هایی در مسیر مطالعات زندگی‌نگاری در ایران، از جمله ایجاد مراکز و گروه‌های تخصصی آموزشی و پژوهشی، تولید و انتشار دستاوردهای علمی، گردآمدن متخصصان و علاقه‌مندان این گستره بین‌رشته‌ای ذیل انجمن‌های علمی، برگزاری دوره‌های تحصیلات تکمیلی و گردهمایی‌های تخصصی و حتی تفتنی، حضور در مجامع بین‌المللی و حتی میزبانی آن‌ها امیدوار بود.

واژه‌های کلیدی: زندگی‌نگاری، زندگی‌نوشت، خود/ زندگی‌نامه، سرگذشت‌نامه، خاطرات

مقدمه

روزگار ما، عصر رواج بیان ماجراهای زندگی است؛ به‌طوری‌که انواع روایت‌های زندگی و انتشار آن‌ها در قالب‌های گوناگون در رسانه‌های مختلف، از چاپ‌های کاغذی تا وبلاگ‌ها، حتی به‌صورت خودنشر و خودپخش، همه‌جا فراگیر است و به‌طور روزافزون، گسترده، متنوع، دموکراتیک، بین‌رشته‌ای و انتقادی پیش می‌رود. با وجود سوابق زندگی‌نگاری در سنت‌های کهن بشر در تمدن‌های دیرین، در روزگار معاصر بنا به جایگاه نگرش‌های انسان‌شناختی در فلسفه‌های مدرن، اقبال به بیان این ماجراها اهمیتی بی‌سابقه و روزافزون یافته که می‌توان بنیاد آن را بر دو حقیقت استوار دانست؛ نخست آنکه، امروزه بشر بیش از هر زمان دیگر، به پیوند عمیق خود با زندگی پی برده و با درک آن به‌منزله تنها سرمایه انسانی در مفهوم تجربه بین آغاز و پایان عمر، بر ثبت یافته‌ها و دریافت‌های خویش در دوره زیست اصرار دارد. از طرف دیگر، از نیمه دوم قرن بیستم میلادی، اساساً مطالعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، با چرخش از رویکردها و شیوه‌های رسمی و بالادستی به‌سوی جنبه‌ها و عرصه‌های غیررسمی، طبقات و لایه‌های مختلف جوامع را مد نظر قرار داده است؛ درنتیجه، ثبت روایت‌های زندگی از اواخر این قرن، جانی تازه گرفته و حتی با توسعه بیش از پیش، در سال‌های اخیر پا را از قالب‌های نوشتاری فراتر گذاشته و حوزه‌های دیداری و شنیداری را نیز در انواع رسانه‌ها درنور دیده است. در کنار رواج نمونه‌های متعدد و متنوع زندگی‌نگاری، طیف وسیعی از رویکردهای توصیفی، تحلیلی و انتقادی طی دهه‌های اخیر، مطالعات زندگی‌نگاری

را به یکی از زمینه‌های پُرونیق تحقیقات میان‌رشته‌ای تبدیل کرده است؛ چنان‌که روایت‌های زندگی به‌طور گسترده در ژانرها، موضوعات و رسانه‌های مختلف در زمینه‌های بسیاری از دانش‌های نوین در علوم اجتماعی، نظیر انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و حتی در علوم زیستی و زمینه‌های حرفه‌ای، مانند حقوق، پزشکی و آموزش و پرورش، خصوصاً در عرصه‌هایی نظیر مطالعات زنان، مطالعات فرهنگی و مطالعات استعماری و پسااستعمارگرایی اثر گذاشته و متقابلاً اثر پذیرفته است؛ به‌طوری‌که می‌توان ادعا کرد که مطالعات زندگی‌نگاری بیش از سه دهه است که در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی، نهضتی عظیم با بُعد چندرشته‌ای به پا کرده است. این ظهور و پیشروی پُرسرعت و شدت مطالعات زندگی‌نویسی در زیرساخت‌های آکادمیک را می‌توان با مورو بر فعالیت‌های دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و پژوهشی، انجمن‌های علمی، پایگاه‌های اطلاعاتی، مراکز آرشیوی و موزه‌ها دریافت؛ چنان‌که در این سال‌ها، پژوهشگران از هند، چین، ژاپن و استرالیا گرفته تا اروپا و آمریکا، با فعالیت پُردامنه سعی می‌کنند اهداف خود را با برنامه‌های مختلف تحقیقاتی و نیز تربیت دانشجو، برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی و کارگاه‌های مهارت‌آموزی در این زمینه پیش ببرند. اگرچه حتی ذکر نام همه این مراکز، مجالی مستقل و مفصل می‌طلبد، تنها یادکرد برخی از مهم‌ترین آن‌ها، به ترسیم قلمرو وسیع مطالعات زندگی‌نگاری در دنیای امروز کمک می‌کند: «مرکز تحقیقات تاریخ زندگی و زندگی‌نویسی» در دانشگاه ساسکس^۱، «مؤسسه بیوگرافی» در دانشکده هنر دانشگاه گرونینگن^۲، «مرکز زندگی‌نگاری» دانشگاه شانگهای جائو تانگ^۳، «مرکز تحقیقات زندگی‌نگاری» در کالج کینگز لندن^۴، «مرکز مطالعات روایی و خود/ زندگی‌نوشت» در دانشگاه ادینبورگ^۵، «مرکز ملی بیوگرافی» وابسته به دانشگاه ملی استرالیا^۶، «مرکز زندگی‌نویسی» آکسفورد در کالج ولفسون^۷، «مؤسسه تاریخ و زندگی‌نامه» وابسته به دانشکده علوم فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه هاگن^۸، «مؤسسه تاریخ و نظریه زندگی‌نوشت لودویگ بولتزمن» وابسته به دانشگاه

1. Centre for Life History and Life Writing Research, university of Sussex
2. Institute of Biography, University of Groningen
3. Center for Life Writing, Shanghai Jiao Tong University
4. Centre for Life Writing Research, King's College London
5. The Centre for Narrative & Auto/Biographical Studies, University of Edinburgh
6. National Centre of Biography, The Australian National University
7. Oxford Centre for Life Writing, Wolfson College
8. Institut für Geschichte und Biographie, Fakultät für Kultur- und FernUniversität in Hagen

وین^۱، «سازمان بین‌المللی زندگی‌نویس‌ها»^۲، «انجمن بین‌المللی خود/ زندگی‌نامه»^۳، «گروه مطالعات زندگی‌نگاری»^۴ ذیل انجمن جامعه‌شناسی بریتانیا، «انجمن مورخان شخصی»^۵ در آمریکا، «آرشیو مشاهدات جمعی»^۶ کتابخانه دانشگاه ساسکس، «مجموعه مدارک ساگا»^۷ ذیل کتابخانه دانشگاه بریتیش کلمبیا، «آرشیو خاطرات ملی»^۸ ایتالیا، «آرشیو داستان زندگی اروپایی»^۹ آکادمی داستان زندگی کارساماکی در شمال فنلاند^{۱۰} و «موزه شخص»^{۱۱} در سائوپائولو^{۱۲}. در این نهادها طی سال‌های اخیر، محققان زیادی نظیر سدونی اسمیت^{۱۳}، جولیا واتسون^{۱۴}، جولی ای. ایکرل^{۱۵}، میشل ام. دال^{۱۶}، جی. توماس کیوسر^{۱۷}، سون برکرتس^{۱۸}، جو گیل^{۱۹}، ملانی واترز^{۲۰}، کریستوفر کالی^{۲۱}، آسترید راش^{۲۲}، دیوید مک‌کویی^{۲۳}، ماریا تاکولندر^{۲۴}، کایتریونا نی دُهِیل^{۲۵}، کایلی کاردل^{۲۶}، آنا بلن^{۲۷} و مارگارت جولی^{۲۸} با انتشار حاصل نتایج پژوهش‌های خود در انبوه کتاب‌ها^{۲۹} و نیز در مجلات تخصصی، خصوصاً «مجله اروپایی زندگی‌نویسی»^{۳۰}، «مجله زندگی‌نگاری»^{۳۱}، «مجله مطالعات خود/ زندگی‌نوشت‌ها»^{۳۲}، «مجله مطالعات زندگی‌نگاری مدرن»^{۳۳} و

1. Ludwig Boltzmann Institute for the History and Theory of Biography, University of Vienna
2. Biographers International Organization
3. The International Auto/Biography Association
4. Auto/Biography Study Group, British Sociological Association
5. Association of Personal Historians
6. Archive Mass-Observation
7. European Life Story Archive of the Käsämäki Life Story Academy
8. Museum of the Person, São Paulo
9. Sidonie Smith
10. Julia Watson
11. Julie A. Eckerle
12. Michelle M Dow
13. G. Thomas Couser
14. Sven Birkerts
15. Jo Gill
16. Melanie Waters.
17. Christopher Cowley
18. Astrid Rasch
19. David McCooey
20. Maria Takolander
21. Caitríona Ní Dhúill
22. Kylie Cardell
23. Ana Belén Martínez García
24. Margaretta Jolly
25. European Journal of Life Writing
26. Life Writing Journal
27. a/b:Auto/Biography Studies Journal
28. Journal of Modern Life Writing Studies

«مجله سالانه زندگی‌نوشت»^۱، به توسعه و فراگیری پژوهش در این زمینه علمی کمک کرده‌اند.

این در حالی است که نگاهی تطبیقی نشان می‌دهد که عرصه پژوهش‌های زندگی‌نگاری در ایران، در مرحله نخست و حتی پیش از آن به سر می‌برد؛ چراکه هنوز این مفهوم به‌درستی بازشناخته نشده و حتی برای این نوشتارها در میان فارسی‌نویسندگان هویتی مستقل قائل نشده‌ایم. بدیهی است وقتی مفهومی ناشناخته مانده باشد، نمی‌توان انتظار داشت ضرورت آن درک شود، متولی یابد، برنامه‌ای برای ارتقای آن ترسیم و نتایجش حاصل شود؛ چنان‌که تلاش‌های پراکنده فعلی ما تاکنون در این عرصه نیز، عمدتاً برخاسته از عزم‌های شخصی و نه متکی بر ساختار و مطالباتی آگاهانه در نظام آموزشی و پژوهشی بوده است. حال آنکه دست ایرانیان از این روایت‌ها، حتی در سنت‌های دوره‌های متقدم اسلامی، در برخی تواریخ، انواع طبقات، تذکره‌ها، رجال، تراجم احوال و سیره‌ها خالی نیست؛ ضمن آنکه در دوره مدرن نیز تحت تأثیر رویکردهای جدید، زندگی‌نویسی با آغاز در دوره قاجار، روزبه‌روز تعدد و تنوع یافته و به‌نحوی روزافزون، چنان پیش رفته که امروز به عرصه‌ای فراخ و نیازمند توجه جدی تبدیل شده است. به این ترتیب، جا داشت تاکنون از پرداختن به جوانب و ابعاد نظری این گستره غفلت نمی‌شد؛ حال آنکه هنوز حتی هویت مستقل و قابل‌اعتنایی را برای زندگی‌نگاری بازشناخته‌ایم تا در گام‌های بعدی به دنبال توسعه فهم و به‌کارگیری آن در عرصه‌های مختلف دانش‌های نوین باشیم.

نگارنده پس از درک این اهمیت و انتشار نوشتاری مختصر در سال ۱۳۹۷ متضمن طرح ایده زندگی‌نگاری و زندگی‌نوشت^۲، در این مجال با بسط مطالعات در این زمینه به روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، درصدد بسط دیدگاه خود، با هدف آگاه‌سازی و ترغیب جامعه علمی در رشته‌های مختلف علوم انسانی، برای اعتنا به این عرصه برآمده است. با این هدف اصلی، نوشتار پیش‌رو به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست: مفهوم زندگی‌نگاری چیست و چه عرصه‌هایی را دربرمی‌گیرد؟ وضعیت و جایگاه ایرانیان در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته از این نظر چگونه است؟ چگونه می‌توان برای این مفهوم در عرصه نوشتارهای فارسی جایگاه قائل شد؟ ماهیت زندگی‌نوشت و جایگاه آن در مجاورت تاریخ و ادبیات و نیز مهم‌ترین ویژگی‌ها و نقش آن در پیشبرد تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی چگونه شناخته می‌شود؟

پیشینه تحقیق

نتایج تحقیقات فعلی نشان می‌دهد که توجه به عرصه زندگی نویسی در گستره، هویت و مقوله‌ای یک‌جا در ایران بی‌سابقه است؛ چنان‌که به نظر می‌رسد تاکنون، تنها در نوشته‌های نگارنده به این مفهوم و ضرورت درک آن اشاره شده باشد؛ اما سابقه پژوهش درباره نمونه‌های زندگی‌نوشت ایرانی، خصوصاً در ابعاد توصیفی، بررسی تاریخی و گاه ابعاد نظری، هرچند نه‌چندان پُر بار، اما قابل اعتناست. شاید بتوان برت فرگنر^۱ را نخستین پژوهشگر زندگی‌نوشت‌های فارسی دانست که در کنار مقدمه محققانه درباره تاریخ خاطره‌نویسی در ایران، به‌طور خاص بر آغاز آن در دوره قاجار، ذیل توجه به خاطرات و یادداشت‌های سفر و حضر سه تن از رجال سیاسی ایران متمرکز شده. با وجود رواج نسبی خاطره‌نویسی و یادداشت‌نویسی در دوره پهلوی دوم، پرداختن به مبانی زندگی‌نگاری و جنبه‌های نظری آن مورد توجه نبود؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و درک نقش تاریخ زندگی افراد در ثبت وقایع آن از سوی برخی نهادها و تاریخ‌نگاران سیاسی، این مهم در جهت تحکیم استنادات تاریخی روایت‌های اشخاص، محل اعتنا قرار گرفت. در اولین و پُررنگ‌ترین گام، می‌توان به تلاش‌های گروه پژوهشی خاطرات بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی برای کشف و ضبط خاطرات افراد مؤثر در پیروزی انقلاب، ذیل طرح «تاریخ انقلاب به روایت خاطرات» اشاره کرد. حاصل مباحث نظری مطرح در گروه را حول محورهای چهارگانه خاطره‌شناسی، خاطره‌یابی، خاطره‌نگاری و خاطره‌پژوهی، می‌توان در قالب سلسله‌مقالاتی ملاحظه کرد که به قلم غلام‌رضا کرباسچی، با عنوان کلی «بخش خاطرات» در چندین شماره از مجله یاد، طی سال‌های ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷ منتشر شد.^۲ پس از این، خصوصاً با اوج‌گیری اعتنا به یادمانده‌های راویان و رزمندگان جنگ ایران و عراق/ دفاع مقدس، معدودی از پژوهشگران به مبانی نظری این مقوله اقبال کردند که بعدها نیز از سوی دیگران ادامه یافت. علی‌رضا کمری^۳، احمد دهقان^۴، احمد اخوت^۵، احمد اشرف^۶، محمدرضا ایروانی^۷، قهرمان شیری^۸، محمدرضا حاج‌بابایی، سمیه عباسی^۹ و برخی دیگر، در طول سه دهه گذشته، با اقبال به مقوله خاطره، یادداشت و سفرنامه بر آن بوده‌اند تا تاریخچه، ماهیت، انواع و حدود این نوشتارها را روشن کنند. گفتنی است که ماهیت خاطره، به‌منزله هسته اصلی رویکرد یا گونه‌ای که امروزه در تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری به نام «تاریخ شفاهی» از آن یاد می‌شود، توجه برخی تاریخ‌پژوهان را به این موضوع طی چند دهه اخیر در قالب سخنرانی و مقالاتی به خود جلب کرده است که در این مجال به همین اشاره

بسنده می‌شود؛ اما بخش قابل توجه پژوهش‌های موجود، به بیوگرافی / زندگی‌نامه^۱ تعلق دارد که شناخته‌شده‌ترین و متداول‌ترین گونه زندگی‌نگاری است. در تحقیقات مربوط به زندگی‌نوشت‌های سوم‌شخص، ترجمه زندگی‌نامه‌ها^۲، اولین توجه متمرکز بر این مقوله در زبان فارسی است که در آن به تاریخ پیدایش و انواع زندگی‌نامه با تأکید بر زندگی‌نامه‌های بزرگان و دانشمندان مسلمان و جهان عرب پرداخته شده است. همچنین مقدمه ارزشمند فرهنگ زندگی‌نامه‌ها^۳ شرحی مفصل از تاریخچه زندگی‌نامه‌نویسی در غرب و جهان اسلام را در انواع آن، ذیل این سنت نوشتاری دربردارد. نیز می‌توان به زندگی‌نامه خود را بنویسید؛ حتی اگر مشهور نیستید و چگونه زندگی‌نامه بنویسیم؟^۴ با رویکردی آموزشی و متمرکز بر زندگی‌نامه‌نویسی در غرب اشاره کرد که در آن‌ها ضمن توجه به برخی زندگی‌نامه‌نویسان غربی، از موضوعاتی کلی، نظیر علل و مزایای زندگی‌نامه‌نگاری و نحوه یافتن سوژه و ساختار و تدوین آن‌ها و نیز از جنبه‌های کاربردی و بایدونبایدهای آن سخن به میان است.^۵ همچنین در از سرگذشت‌نویسی به داستان‌نویسی (آیینی نو در نگارش) سعی شده با ربط زمینه تاریخی و ادبی این نوشته‌ها، دیدگاه‌های افرادی که تاکنون به صورت پراکنده به این موضوع پرداخته‌اند، به صورت یکجا گردآوری شود.^۶ علاوه بر این، گاه در آثار عمومی و از همه بیشتر در فرهنگ‌نامه / دب فارسی^۷ ذیل مداخلی نظیر زندگی‌نامه خودنوشت، سفرنامه، یادداشت روزانه و خاطره‌نویسی، مباحثی در این موضوع یافت می‌شود. نیز در فصل اول / انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی^۸، ذیل «آثار ادبی منشور فارسی از لحاظ قالب یا صورت»، به زندگی‌نامه، خودزندگی‌نامه، سفرنامه و نامه پرداخته شده است.^۹ نکته قابل توجه آنکه پس از افزایش تعدد و تنوع زندگی‌نوشت‌های جنگ، خصوصاً در قالب‌هایی بدیع و کم‌سابقه، برخی پژوهشگران نظیر علی‌رضا کمری، محمدرضا سنگری^{۱۰}، محمدحسین صنعتی^{۱۱} و مهدی کاموس^{۱۲}، به‌ویژه در دو دهه اخیر، برای ارتقای سطح کیفی نگارش و نیز تحلیل و نقد این آثار، به زمینه‌ها و زوایای مختلف زندگی‌نگاری انسان‌های جنگ، به‌صورت مستقل یا متناسب با برگزاری نشست‌ها و همایش‌هایی پرداخته‌اند^{۱۳}؛ همچنین به‌جاست از نوشتارهای پراکنده در این میان نیز یاد شود؛ چنان‌که تعداد قابل توجهی از آن‌ها را می‌توان در شماره‌هایی از نشریه زنده‌رود^{۱۴}، ماهنامه زمانه^{۱۵}، انشا و نویسندگی^{۱۶} و کتاب ماه تاریخ و جغرافیا^{۱۷} یافت.

زندگی‌نگاری

زندگی، واژه‌ای است که شاید بتوان همه ابعاد وجودی انسان در گذشته و آینده،

1. Biography

تجربیات، اندیشه‌ها، احساسات، رفتار، خلیقات و تمامی متعلقات او را در آن خلاصه کرد؛ به بیان دیگر، حاصل آدمی در این دنیا زندگی او است که به‌صورت فرایند زادن، رشدکردن و مُردن، در میان نوع بشر دائماً در حال تکرار است؛ اما با وجود این، تفاوت ابعاد و روند زندگی درخصوص هر یک از افراد انسانی، آن را منحصربه‌فرد کرده است؛ چنان‌که در این فرایند، برخی با درک قابلیت‌های ماجراهای خود برای روایت، بر آن می‌شوند تا زندگی‌شان را به‌منزله واحدی از نگرش و رفتار انسانی بازسازی کنند.

ثبت ماجراهای زندگی، همواره با انگیزه‌ای کهن دنبال می‌شده است؛ بزرگداشت، ضبط‌کردن، بیرون‌کشیدن یک ماجرای فردی از دلِ تهدیدِ پاک‌شدن از دل تاریخ و ارائه آن در صفحه روزگار؛ اما چگونه می‌توان زندگی را به روایت تبدیل کرد و به آن شکل داد؟ این وظیفه پیچیده و ارزشمند را زندگی‌نگاری انجام می‌دهد که می‌توان آن را معادلی برای اصطلاح پُرکاربرد و رایج Life writing در نظر گرفت. زندگی‌نگاری، شامل نوشتن شرح زندگی و البته فراتر از آن است. این مفهوم، همه‌چیز را از زندگی کامل گرفته تا بخش‌هایی از رخداد‌های روزمره و نیز زندگی افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها دربرمی‌گیرد. به این ترتیب، زندگی‌نگاری در کنار اشکال مختلف نوشتاری، طیف وسیعی از داده‌های مردم‌شناسی و شهادت‌های شفاهی شاهدان عینی، نمایشنامه و اجراهای موسیقی، آگهی‌های ترحیم، وبلاگ‌ها، وصیت‌نامه‌ها، سنگ قبرها، و رسانه‌های اجتماعی، مانند توییت‌ها و استوری‌های شبکه‌های مجازی، مانند اینستاگرام را با اهداف گوناگونی نظیر معنوی، اعترافی، آموزشی، هیجانی، درمانی و روانی شامل می‌شود.

امروزه Life writing از اصطلاحات متداول در عرصه‌های علمی و فرهنگی به شمار می‌رود. هرچند می‌توان ریشه این واژه را تا قرن هفدهم میلادی در اروپا جست‌وجو کرد، برخی برآنند که در قرن هجدهم ظاهر شد و به ثبت رسید؛ اما این اصطلاح به‌عنوان یک مفهوم انتقادی، از دو دهه پایانی قرن بیستم بیشتر مورد استفاده قرار گرفت و به‌طور خاص از آغاز قرن جاری، در میان دانشگاهیان و پژوهشگران اقبال و رواج یافت؛ برای مثال، مِگ جِنسن و جِین جُردن^۱، از سرویراستاران مجموعه مقالات زندگی‌نگاری: روح عصر و موقعیت ما^۲، در مقدمه خود، با ذکر قدمت این واژه از قرن هجدهم، به‌معنای محدودی که امروزه تحت مفهوم اتوبیوگرافی/ خودزندگی‌نامه^۳ خوانده می‌شود، آن را اصطلاحی پُرکاربرد از دهه ۱۹۸۰م. می‌دانند

1. Meg Jensen & Jane Jordan

2. *Life Writing: The Spirit of the Age and the State of the Art*

3. Autobiography

که برای نامیدن ژانرهای آشنای بیوگرافی / اتوبیوگرافی (خود/ زندگی‌نامه)، مموآر (خاطره‌نامه)^۱، نامه و بسیاری دیگر از اشکال متنوع روایت زندگی^۲ استفاده می‌شود (xxvii: 2009)؛ به عبارت دیگر، هرچند این اصطلاح از قرن هجدهم، در معنایی محدود و تنها به مفهوم آنچه بعدها خود/ زندگی‌نامه نام گرفت به کار می‌رفت، اما کمتر از نیم قرن است که خصوصاً با اقبال در محافل دانشگاهی، در بیان همه این قلمرو روزافزون، برگزیده و رایج شده است تا تمام اشکال ظهوریافته و زمینه‌های تحقیقاتی آن را دربرگیرد. ناگفته نماند که معدود افرادی نظیر ویرجینیا وُلَف^۳ از سال‌ها قبل، از جمله در دهه ۱۹۳۰م. از آن استفاده می‌کردند و شاید به همین سبب باشد که پژوهشگری مانند زکری لیدر^۴ بر آن است که کاربرد این اصطلاح به سال ۱۹۰۶م. برمی‌گردد (۲۰۲۰: ۳). این توسعه مفهومی، همراه با اصطلاح جدیدی تحت عنوان «روایت زندگی»^۵ بروز کرد که تمام قالب‌های شرح ماجرای زندگی را دربرمی‌گیرد. برای مثال مَرُونَا گیرفیس^۶ در مقاله‌ای همه انواع بیان ماجراهای زندگی را روایت زندگی می‌نامد و دایره‌ای وسیع برای گونه‌ها و مصادیق آن در نظر می‌گیرد (۱۹۹۵: ۷۶)؛ ضمن آنکه در گستره معنایی مشترک با زندگی‌نگاری، در بسیاری مواقع از ترکیب «زندگی ثبت‌شده»^۷ نیز استفاده می‌شود. به هر روی، چیزی نگذشت که این اصطلاح، خصوصاً از دهه پایانی قرن بیستم میلادی، به دلیل وسعت و فراگیری در سراسر این ژانر، در بیان مفهوم مرکزی این حیطه برگزیده و متداول شد؛ اما گستردگی کاربرد و اقبال به آن، در پرتو تلاش‌های دانشگاهی و تحقیقاتی حاصل شد؛ طوری که به اذعان لیدر، این اصطلاح به عنوان مفهومی کلی که توانسته به فرم‌ها اعتبار آکادمیک ببخشد، رواج یافته است (۳)؛ چنان‌که امروزه در همه جای دنیا، از اروپا و آمریکا گرفته تا شرق دنیا در چین و ژاپن و حتی در آفریقای جنوبی، Life writing در هر دو مفهوم «مصدر فعلی» معادل زندگی‌نگاری و «اسم مصدر» معادل زندگی‌نگاره^۸، در بیان ثبت روایت‌های زندگی و نیز گونه‌ای (ژانر) فراگیر مشتمل بر گونه‌های متنوع حاصل از آن رایج است؛ اما در تعریف و بیان چستی مفهومی که این دو معادل را برای آن انتخاب کرده‌ایم، گذشته از چالش‌ها و ابهامات زندگی‌نگاری و زندگی‌نگاره‌ها، در این حیطه می‌توان از یک اجماع عمومی خبر داد و آن اینکه

1. Memoir
2. Life narrative
3. Virginia Woolf
4. Zachary Leader
5. Life Narrative
6. Morwenna Griffiths
7. The recorded life

به‌طور کلی این گستره، با دو مفهوم «ماجرای زندگی»^۱ و «غیرساختگی»^۲ مرتبط است و به همین سبب، روایت‌هایی که در این چهارچوب شکل می‌گیرند، ذیل یک ژانر کلی یا «اَبَر ژانر»^۳ با انبوهی از زیرژانرها بازشناخته شده‌اند؛ بنابراین به‌طور کلی مفهوم این اصطلاح، ژانری مستقل را دربردارد و طبق تعریف مارگارت جول، محقق مطالعات فرهنگی در دانشگاه ساسکس و مدیر مرکز تحقیقات تاریخ زندگی و زندگی‌نویسی در این دانشگاه که ویراستاری *دایره‌المعارف زندگی‌نگاری* را نیز به عهده داشته است، شامل هر نوشته‌ای می‌شود که «در آن، یک فرد از زندگی خود یا دیگری روایت می‌کند» (۲۰۰۱: ۱)؛ البته این مفهوم چنان‌که آمد در نوشته منحصر نیست و بنا به مندرجات همین *دایره‌المعارف*، فراتر از آن را شامل می‌شود؛ اما مفهوم غیرساختگی، اصطلاحی کلیدی است که بارها در میان نظریه‌پردازان این حوزه، با همین عنوان و نیز «غیرداستانی»^۴، در بیان ویژگی برجسته و مهم زندگی‌نگاره‌ها به کار رفته است؛ زیرا این مفهوم، تمایزی را بین داستان‌سرایی تخیلی و زندگی‌نگاری پیشنهاد می‌کند. زندگی‌نگاری در هر شکلی که ممکن است به خود بگیرد، لزوماً و به هر حال، با واقعیت یا حداقل ظاهر آن مرتبط است. دلالت این واقعیت می‌تواند شکل یک قرارداد یا پیمان به خود بگیرد که ایده‌های واقعیت‌مندی و حقیقت‌گویی را با زندگی‌نویسی پیوند می‌دهد که البته بحث دربارهٔ چندی‌چون آن در میان محققان و علاقه‌مندان این ژانر، همواره پُردامنه و چالش‌برانگیز بوده است.

زندگی‌نویسی و زندگی‌نوشت‌ها

در کنار «زندگی‌نگاری» که طبق توضیحات بالا همهٔ انواع ثبت روایات زندگی را دربرمی‌گیرد، ما اصطلاح «زندگی‌نویسی» و نیز «زندگی‌نوشت» را به‌عنوان مترادفی برای فعل و همهٔ انواع نوشتاری آن وضع کرده‌ایم و در آن، تمام آثار مکتوبی را که به‌نحوی، حاوی روایتی واقع‌گرایانه از زندگی بشر باشند و با ماهیتی تاریخی - ادبی، به ثبت هدفمند خاطرات، تجربیات، دیدگاه‌ها و احساسات شخصی بپردازند، در نظر داریم. به این ترتیب، زندگی‌نوشت، مفهومی اصلی و فراگیر مشتمل بر نوشته‌های حاوی ماجراهای زندگی واقعی انسان است که انواع فرعی، نظیر زندگی‌نامه‌ها، خودزندگی‌نامه‌ها، خاطرات روزانه، یادداشت‌های شخصی، نامه‌های شخصی، زندگی‌نامه‌های داستانی، خاطره‌نامه‌ها و تک‌خاطره‌ها را در دل خود جای می‌دهد.

1. Life story
2. non fictive
3. supergenre
4. Non fiction

در غرب نیز، همهٔ آثاری که عمدتاً در دو قرن اخیر، گاه مطابق با واقعیت‌های زندگی و گاه با بهره‌گیری مستقیم از آن‌ها، صرف‌نظر از قالب‌های متنوع شکل گرفته است، در گستره‌ای واحد گنجانده می‌شود؛ برای مثال، سدونی اسمیت و جولیا واتسون که سهم حیاتی آن‌ها در تئوری زندگی‌نویسی غیرقابل‌انکار است^{۳۱}، این مفهوم را به‌عنوان یک اصطلاح کلی برای انواع مختلفی به کار می‌برند که یک زندگی را موضوع قرار می‌دهند؛ یعنی یک تعریف نسبتاً وسیع که جلوه‌های بسیاری را دربرمی‌گیرد (اسمیت و واتسون ۱۴۰۱: ۳۱). زکری لیدر نیز زندگی‌نویسی را یک اصطلاح کلی تعریف می‌کند که برای توصیف مجموعه‌ای از نوشته‌ها در بیان زندگی یا بخش‌هایی از آن استفاده می‌شود (۳).

اینکه چرا اصطلاح مذکور برای این حوزهٔ مفهومی موردپسند و کاربرد قرار گرفت، به وسعت و در عین حال، ابهام و بحث‌برانگیزی آن مربوط می‌شود؛ چراکه این اصطلاح، طیف گسترده‌ای از متون و فرم‌ها را پوشش می‌دهد و مناقشه‌آمیز بودن آن تاحدی به این سبب است که تعداد زیادی از زیرژانرها را گاه با ویژگی‌های متفاوت پوشش می‌دهد؛ چنان‌که هرمان لی^۱، از زندگی‌نامه‌نویسان برجستهٔ انگلیسی بر آن است که وقتی از این اصطلاح استفاده می‌شود «که راه‌های مختلف روایت یک داستان زندگی - خاطره‌نامه، زندگی‌نامه، خودزندگی‌نامه، روزنامهٔ خاطرات، نامه، داستان زندگی‌نامه‌ای - با هم محل توجه قرار بگیرد» (from Saunders 100: 2005: 321)؛ برای مثال، یکی از کاربردهای اصلی اصطلاح زندگی‌نوشت، برای زمانی است «که تمایز بین زندگی‌نامه و خودزندگی‌نامه به‌طور غیرعمدی محو می‌شود» (from Saunders 2008: 321, 100: 2005). ضمن آنکه منتقدان، گاه از این اصطلاح برای نشان‌دادن این تلفیق عمومی، با هدف خلاصه‌گویی در صحبت دربارهٔ ژانرهای زندگی‌نامه و خودزندگی‌نامه با هم استفاده می‌کنند (saunders 2008: 321).

مارلین کادار^۲، پژوهشگر و استادیار بخش علوم انسانی و مرکز مطالعات کانادایی رُبارتس در دانشگاه یورک کانادا نیز، زندگی‌نویسی را انعطاف‌پذیرترین و پهن‌ترین اصطلاح موجود برای واحدهای روایت زندگی، اعم از زندگی‌نامه و نوشته‌های مشابه آن می‌داند. او زندگی‌نوشت را شامل ژانرهای متعارف خود/زندگی‌نامه، مجلات، خاطرات، نامه‌ها، شهادت‌ها و فراداستان تعریف می‌کند که در تعاریف قبلی صرفاً شامل خود/زندگی‌نامه می‌شد. کادار در نوشتاری با عنوان «به‌سوی اصطلاح: زندگی‌نویسی: از ژانر تا تمرین انتقادی»^{۳۲}، در مقدمهٔ مجموعه مقالاتی بین‌رشته‌ای و تطبیقی با مباحث انتقادی و نظری در زمینهٔ نوشتن زندگی یا تحقیقات

آرشیوی که سرویراستاری آن را به عهده داشته^{۳۳} تأکید می‌کند که زندگی‌نویسی یک اصطلاح ثابت نیست و در جریان حرکت از ملاحظات ژانر به ملاحظات انتقادی است؛ چنان‌که ممکن است هم یک ژانر و هم یک عمل انتقادی را نشان دهد؛ ضمن اینکه تغییرات در نحوه درک ما از زندگی‌نویسی در جنبش‌های سیاسی و ادبی تکامل می‌یابد (۱۹۹۲: ۵-۴).

نوع‌شناسی زندگی‌نوشت‌ها

زندگی‌نویسی به قالب بیانی خاصی محدود نمی‌شود و ساختارهایی متنوع و متعدد از کتیبه‌ها و پاره‌نوشته‌ها تا روایت‌های خطی سلسله‌مند را دربرمی‌گیرد. تنوع شیوه‌های نگارش زندگی خصوصاً با توجه به تفاوت‌های فردی و اجتماعی از طرفی و ماهیت غیرآکادمیک این نوشته‌ها در بُعد عملی از طرف دیگر، موجب شده زندگی‌نوشت‌ها به اشکال و انواعی مختلف ظاهر شوند. این گونه‌گونی حتی در ارائه تعریف، مشکلاتی ایجاد کرده است؛ چنان‌که بسیاری از محققان به‌نحوی به این معضل اشاره کرده‌اند که تعریف اصطلاح زندگی‌نویسی آسان نیست؛ زیرا دربرگیرنده شیوه‌های متنوعی از روایت‌های زندگی است و از سبک، ساختار، موضوع، یا ژانر ادبی خاصی پیروی نمی‌کند.

برخی عوامل شکل‌گیری این نوشته‌ها در انواع مختلف عبارتند از: موضوع، انگیزه و مقصود، دیدگاه و نگرش به زندگی، سطح معلومات و توانمندی‌ها، قدرت حافظه، فاصله زمانی با رویدادها، تمرکز بر بُعد یا ابعادی خاص از زندگی، ویژگی‌های احساسی و روانی، روش و نیز سبک و شیوه شخصی و نیز رسم متداول زمانه و پسندهای رایج. به این ترتیب، با وجود چالش‌های بسیار در نوع‌شناسی زندگی‌نوشت‌ها، می‌توان فهرست بلندی از انواع اصلی و فرعی آن‌ها ارائه کرد که روزبه‌روز در حال گسترش است؛ چنان‌که هرچند اسمیت و واتسون، در ویرایش نخست کتاب خود در سال ۲۰۰۱م. فهرستی از ۴۲ ژانر ارائه دادند، در ویرایش دوم، چند نوع دیگر را نیز به آن اضافه کردند؛ البته کار در همین جا متوقف نمی‌شود و به اذعان خود آن‌ها، تردیدی نیست که این فهرست به‌طور مداوم در حال افزایش باشد (۱۴۰۱: ۳۷-۳۸).

در انواع نوشتارهای فارسی نیز در وهله نخست و با دیدگاهی کلی می‌توان همه زندگی‌نوشت‌ها یا افراد متعدد در این نوع فراگیر را به اعتبار نقطه دید و زاویه روایت، به دو نوع اصلی زندگی‌نوشت‌های سوم‌شخص (او - راوی) و زندگی‌نوشت‌های اول‌شخص (او - راوی) تقسیم کرد. گروه اول را مشتمل بر آثاری می‌دانیم که روایت‌های زندگی فرد، از زاویه دید فردی دیگر نوشته می‌شود و

انواعی نظیر زندگی‌نامه، زندگی‌نامه‌ داستانی، کارنامه، کارنامه‌ک، زندگی‌نامه‌ جمعی، یادنامه، شهادت‌نامه، سنگ قبر و آگهی ترحیم ذیل آن قرار می‌گیرد. در گروه دوم، آثاری پدید می‌آیند که در آن‌ها یک نفر، روایت‌هایی را از زاویه دید خویش در بیان عملکردها و مشاهداتش بیان می‌کند که در عرف متداول و البته نه‌چندان دقیق، از آن‌ها با عنوان «خاطرات» یاد می‌شود^۳؛ چه راوی، خود، روایت‌هایش را نوشته باشد و چه ماجراها را به‌طور شفاهی بیان کرده و دیگری آن‌ها را نوشته باشد؛ همچنین، چه راوی، این روایت‌ها را به‌منظور شرح وقایع زندگی شخصی و حرفه‌ای خود بیان کرده باشد، و چه آن‌ها را نه در شرح حال و اقدامات خویش، بلکه در ذکر مشاهدات و به قصد روشن کردن رخدادی خاص یا شخصیت و اقدامات فردی دیگر که با وی ارتباطی داشته شکل داده باشد. این روایت‌ها با توجه به ویژگی‌های محتوایی و ساختاری، عمدتاً در انواعی نظیر تک‌خاطره، خودزندگی‌نامه، خاطره‌نامه، روزنامه‌ خاطرات و وصیت‌نامه ملاحظه می‌شوند.

نکته مهم در حیطه نوع‌شناسی زندگی‌نوشت‌ها آنکه می‌توان در این دو رسته عمده، دو نوع زندگی‌نامه و خودزندگی‌نامه را به‌منزله طلیعه‌دار و انواع برجسته بازشناخت. البته تمرکز انحصاری بر تنها زندگی‌نامه و خودزندگی‌نامه می‌تواند راه‌هایی را که سایر شیوه‌های زندگی‌نویسی حتی از نظر تاریخی نیز کارکرد فرهنگی داشته‌اند، مسدود کند و اساساً به همین سبب است که طی سال‌های اخیر، برخلاف گذشته که بر زندگی‌نامه و خودزندگی‌نامه تمرکز وجود داشت، تأکید اصلی بر مفهوم زندگی‌نوشت قرار گرفته است؛ چنان‌که برخلاف گذشته، اخیراً نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه و روایت‌های سفر که همگی به‌شدت در تولید بازنمایی اوضاع افراد و جوامع مؤثرند، توجه بیشتری را جلب کرده‌اند (saunders 2008: 324)؛ بنابراین می‌توان امروزه بیش از پیش امید داشت که در قالب اشکال جدید، ابراز و درک روایت‌های مختلف، تسهیل و نگاه مخاطبان به چهره‌هایی متنوع، معطوف شود.

در پایان این بخش، دو نکته گفتنی است؛ نخست آنکه گاه اصطلاحات زندگی‌نویسی و خود/ زندگی‌نامه‌نویسی به‌صورت مترادف به کار می‌روند و از این چشم‌پوشی می‌شود که زندگی‌نوشت به‌عنوان مقوله‌ای فراگیر در بیان ژانرهای فرعی متعدد است. لیدر با تأکید بر ضرورت درک تفاوت میان خاطره‌نامه و خودزندگی‌نامه و انتقاد به نویسندگانی که آن‌ها را به جای یکدیگر استفاده می‌کنند، این تذکر را لازم می‌داند که به هر حال در کاربرد متداول، اصطلاح زندگی‌نامه هنوز در درجه اول برای اشاره به روایت‌های واقعی از گهواره تا گور در قالب کتاب در نظر گرفته می‌شود؛ درحالی‌که زندگی‌نوشت به‌عنوان یک اصطلاح گسترده،

به‌صراحت شامل همهٔ ماجراهای خود/ زندگی‌نامه‌ای است (۳). دوم آنکه، باوجود اشتغال زندگی‌نویسی بر هر دو شاخهٔ نوشتارهای دربارهٔ خود و دیگری، خصوصاً امروزه وجه زندگی‌نویسی اول‌شخص در این ژانر گسترده برجستگی و غلبه دارد. در چهارچوب دو مفهوم زندگی‌نویسی و خویش، خودزندگی‌نوشت‌ها در معنای مترادف با متون اتوبیوگرافیک^۱ به‌منزلهٔ ژانری پدیدار شده‌اند که شامل بسیاری از زیرژانرهای دیگر، ازجمله خودزندگی‌نامه، خاطره‌نامه و نامه؛ ولی نه محدود به آن‌هاست. هرچند در میان آن‌ها خودزندگی‌نامه، به‌ویژه شکل اصلی تولید حافظهٔ فرهنگی در این حیطه بوده (Aurell 2009: 504) است؛ اما امروزه به‌طور خاص، تغییر تعاریف این حیطه و تقویت تمایل فزاینده برای شناسایی ژانرهای متعدد و ترکیبی، موجب شده است تا مفهوم زندگی‌نویسی، همهٔ مفاهیم ذیل را هرچه بیشتر دربرگیرد.

ارتباط زندگی‌نوشت با خود/زندگی‌نامه

پیشتر گفتیم که اصطلاح زندگی‌نویسی، قبل از زندگی‌نامه یا خودزندگی‌نامه استفاده می‌شده و همیشه اصطلاحی فراگیرتر بوده است. کادار توضیح می‌دهد که «زندگی‌نویسی را می‌توان به‌شدت به‌عنوان یک ژانر محدود مشاهده کرد؛ همان‌طور که در قرن هجدهم بود. در آن زمان، این واژه، معادل بیوگرافی و شاید برای دیگر انواع ثبت زندگی نیز در نظر گرفته می‌شد؛ سپس در بیان مقدمه‌ای برای نشان‌دادن اینکه ریشهٔ اصطلاح زندگی‌نویسی به زمانهٔ آنگلوساکسون بازمی‌گردد، به بحثی کوتاه دربارهٔ ریشهٔ این دو واژه می‌پردازد. اولین بار کلمهٔ بیوگرافی در فرهنگ لغت انگلیسی آکسفورد مربوط به سال ۱۶۸۳ م. ثبت شده است؛ با ریشهٔ یونانی *bios* و به‌معنای سریع و حیاتی؛ پس بیوگرافی، به آن چیزی می‌پردازد که برای موضوعی حیاتی است؛ اما خود نویسنده لزوماً در سوژه دخالت نمی‌کند. در این نوع زندگی‌نویسی، اغلب ترجیح داده می‌شود که نویسنده، عین^۲ باقی بماند. در کنار آن، اتوبیوگرافی، برگرفته از واژهٔ یونانی *autos* به‌معنای «از خود یا توسط خود»، همان‌طور که تعریف آبرامز نشان می‌دهد، نوعی از بیوگرافی است که سوژه دربارهٔ خودش نوشته باشد؛ با درجه‌ای از عینیت^۳. کادار سپس اضافه می‌کند که با این حال، آنچه همیشه در تحقیقات خودزندگی‌نامه‌نویسی آشکار نمی‌شود، این است که قبل از کاربرد واژه‌های یونانی و لاتینی بیوگرافی و اتوبیوگرافی، اصطلاح آنگلوساکسون زندگی‌نویسی متداول بود (۱۹۹۲: ۴). در این مقاله همچنین تأکید

1. Autobiographical Texts
2. Objective
3. Objectivity

شده است که به سبب دامنه وسیع‌تر این اصطلاح، می‌توان آن را دارای مزایای انتقادی خاصی نسبت به خود/ زندگی‌نامه در نظر گرفت؛ بنابراین زندگی‌نویسی، به زبان ساده، ژانر کمتر انحصاری از انواع نوشته‌های شخصی است که نه تنها هم زندگی‌نامه و هم خودزندگی‌نامه، بلکه ژانرهای کمتر عینی، یا بیشتر شخصی، مانند نامه‌ها و روزنامه‌های خاطرات را نیز دربرمی‌گیرد (۴). سدونی و واتسون نیز در بیان ناکافی بودن خودزندگی‌نامه برای دربرگرفتن پیچیدگی شیوه نوشتن خودارجاعی می‌نویسند: «بسیاری از نظریه‌پردازان پست‌مدرن و پسااستعماری بر این باورند که واژه خودزندگی‌نامه، گستره تاریخی وسیع خودزندگی‌نگاری و فرم‌ها و ژانرهای متنوع آن را در جهان غرب و البته در کل دنیا دربر نمی‌گیرد» (۱۴۰۱: ۲۹)

به این ترتیب، می‌توان زندگی‌نویسی را به عنوان حوزه‌ای باز در نظر گرفت که خود را چه در نمونه‌ها و چه در تئوری، به تعریف تنگناها رسانده یک ژانر خاص محدود نمی‌کند؛ از طرف دیگر، ظهور مفهوم زندگی‌نویسی، به ویژه در عرصه مطالعات خود/ زندگی‌نامه فواید بسیاری داشته است؛ زیرا تمایز بین این دو ژانر را از بین می‌برد و آن‌ها را در تداوم گسترده‌تری از تمام «اسناد فردی» نوشته یا ساخته شده در رسانه‌های مختلف درباره زندگی افراد و گروه‌ها، مانند خاطرات، نامه‌ها، روایت‌های تصویری یا وبلاگ‌ها قرار می‌دهد؛ زیرا هر یک از این انواع، به تنهایی نمی‌توانند به دقت به معنای تمام آن چیزی باشند که می‌خواهیم در هنگام اشاره به خود یا دیگران بگوییم. این امر نه تنها بازنگری مداوم مفاهیم را توضیح می‌دهد؛ بلکه حتی به بیان این سبب نیز ناظر است که چرا کلام نوشتاری، تنها رسانه برای به تصویر کشیدن زندگی نیست و توسل به فرم‌های شفاهی و بصری برای غنی‌سازی ژانر را با عکس، نقاشی، فیلم، ویدئو و موسیقی، خصوصاً در رسانه‌های اجتماعی توجیه می‌کند؛ البته در این میان، گاه انتقاداتی بر این توسعه وجودی مفهوم زندگی‌نویسی وارد شده است؛ از جمله اینکه مطالعه آن‌ها در چهارچوب یکسان، از نظر روش‌شناختی مشکل‌ساز است. با وجود این، زندگی‌نویسی به ویژه برای بازخوانی همه روایت‌های مصداقی و انتقادی در یک دایره مفهومی گسترده، نقش ایفا می‌کند.

جایگاه زندگی‌نوشت؛ بین تاریخ و ادبیات

تعلق زندگی‌نوشت‌ها به تاریخ یا ادبیات از قدیمی‌ترین، پُرچالش‌ترین و شایع‌ترین مباحث این موضوع است. در اغلب منابع غربی، از زندگی‌نامه به عنوان گونه‌ای ادبی^{۳۵} و از سایر انواع آن، نظیر خاطره‌نامه به عنوان متنی «غیرداستانی» یا

«غیرخلاق» یا «غیرداستانی خلاق»^۲، دربردارندهٔ واقعیت‌هایی از زندگی سوژه یاد شده است. به تبع منابع غربی، گاه فرهنگ‌ها و منابع فارسی بدون بحثی قابل توجه، از زندگی‌نامه در قلمروی ادبیات و به‌عنوان گونه‌ای غیرداستانی یاد کرده‌اند.^۳ برخی دیگر، این نوشته‌ها را تحت شرایطی ادبی می‌دانند؛ برای مثال، غلامحسین یوسفی درخصوص خاطره‌نوشته‌ها می‌نویسد: «به گمان من اگر نویسندهٔ خاطرات از قریحهٔ هنری و ادبی برخوردار باشد، بسا که اثر او به‌صورت یکی از انواع ادبی درآید» (۱۳۶۷: ۳۶۱)؛ همچنین برخی، زندگی‌نوشت‌ها را یکسره تاریخ‌مند و محل گزارش واقعیات بشری می‌دانند. این درحالی است که طبق رویکردهای نوین به تاریخ، سخن از گزارش واقعیت، ازجمله در زندگی‌نوشت‌ها، از بنیادی معرفت‌شناسانه و مناقشه‌آمیز برخوردار است که حتی بیان گوشه‌ای از آن نیز این مقال را به درازا خواهد کشاند^۴؛ تنها به این بیان کوتاه اکتفا می‌کنیم که از طرفی، اصل زندگی در بازسازی و روایت فرد از زندگی او در گذشته یا حال و شناخت واقعیت‌های زندگی او تعریف می‌شود و از طرف دیگر این روایت‌ها با واسطهٔ اثرپذیری از ذهن و زبان نویسنده و راوی به بیان درمی‌آید که در بسیاری مواقع، از تأملات و درون‌نگری‌های بشری، همراه با عواطف و احساسات افراد به دور نیست. گذشته از این دیدگاه‌های متفاوت، بی‌تردید همهٔ انواع زندگی‌نوشت، از سرشت و ماهیتی ترکیبی برخوردارند و در این میان، ارزش اصلی و مقدم آن‌ها در دلالت و شأنیت تاریخی، لزوم تعریف زندگی‌نوشت‌ها را به‌منزلهٔ گونه‌ای تاریخی - ادبی و نه برعکس، روشن می‌کند.

اساساً همین جنس دوگانهٔ زندگی‌نوشت در بستر نوشتارهای فارسی و گاه سرگردانی در متعلق‌شناختن انواع آن به یکی از دو عرصه است که بخشی از انگیزه‌های ایدهٔ بازشناسی عرصهٔ زندگی‌نگاره‌ها را به‌منزلهٔ قلمرو مفهومی گسترده‌ای با هویت مستقل توجیه می‌کند؛ این مثال می‌تواند ضرورت بازشناخت عرصهٔ زندگی‌نگاری را در ایران روشن‌تر کند: نزدیک به دو قرن پیش در ایران، از پدر «تاریخ» و مادر «ادبیات»، نوزادی متولد شد که از آن می‌توان به «زندگی‌نوشت» تعبیر کرد. این نوزاد از همان آغاز، گاه به تُندی و گاه کُندی، مراحل رشد خود را طی کرد و به‌ویژه متناسب با برخی شرایط سیاسی - اجتماعی بر توسعهٔ ابعاد وجودی خود افزود. این درحالی است که در تمام این مدت، نه پدر و نه مادر، هرگز این طفل را به‌تمامی از آن خود ندانسته و هر یک به‌دلیل وجود برخی ویژگی‌های ناهم‌ساز این فرزند با دیگر فرزندان، به‌نحوی آن را پس زده‌اند. این در حالی است که امروز، پس از پیمودن مسیری به‌درازی یک‌ونیم قرن، این فرزند با رشدی روزافزون در تعداد و

1. Uncreative
2. Creative non-fiction

تنوع گونه‌های فرعی، کاملاً بالیده و خود، عیال‌وار شده است؛ اما همچنان بی‌هویت، در محله‌ای مابین دو سرای بزرگ و همجوارِ مادر و پدر، سرگردان و بدون متولی وامانده است. اینکه مادرِ ادبیات، همواره به بهانه‌هایی نظیر نبودِ خلاقیت هنری و دوری از ژرف‌اندیشی عمیق، از پذیرش هر یک از انواع فرعی آن، از قبیل زندگی‌نامه، خاطره‌نامه، زندگی‌نامه داستانی، نامه و وصیت‌نامه به دامن خود سر‌باز می‌زند، و پدر تاریخ نیز این نوشتارها را فاقد استنادات محکم و شایستگی‌های لازم در تعلق به ساحتِ خویش می‌داند، موضوعی تازه نیست و به تکرار از زبان برخی منتقدان ادبی و تاریخ‌پژوهان شنیده می‌شود؛ اما چاره چیست؟ به نظر می‌رسد راه‌حل اصلی و اساسی، با روی‌گردانی از اصرارها و تلاش‌های صورت‌گرفته در آنکه پدر و مادر، این فرزند بی‌سروسامان، اما عیال‌وار را به سرپرستی بپذیرند، اتخاذ دیدگاهی نو، راه‌گشا و جامع‌نگر، در پیمودن طریقی دیگر باشد که همانا قرارداد این فرزند و فرزندزادگانش ذیل چتری مستقل و در سرایی دیگر، البته درست همجوار و چسبیده به مرزهای ادبیات و تاریخ است. در واقعیت بیرونی نیز انبوه زندگی‌نوشت‌های گونه‌گون ایرانی، دلالتی است که نشان می‌دهد وقت آن رسیده تا همه این انواع یا ژانرهای فرعی، ذیل نوع یا ژانری اصلی هویت یابند که نوشتار پیش‌رو را می‌توان طلیعه و دغدغه‌ای برای تحقق آن دانست.

ویژگی‌های زندگی‌نگاری

گسترده‌گی و تنوع

زندگی‌نگاری چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، از مفاهیم بسیار گسترده است که دامنه آن بسیاری از موضوعات و حیطه‌ها را از جهات مختلف دربرمی‌گیرد و محدود نمی‌ماند؛ به همین سبب مارگارت جولی، از این اصطلاح برای پناه‌گرفتن انواع و مفاهیم متعدد، زیر چتر این حیطه گسترده استفاده کرده تا همه فرم‌ها را خارج از قالب زندگی‌نامه به‌طور معمول، از جمله در شهادت، ساخته‌های مصنوعی، خاطره‌گویی، روایت شخصی، هنرهای تجسمی، عکاسی، فیلم، تاریخ شفاهی و ماجراهای زندگی غیرمبتنی بر متن دربرگیرد. همین فراگیری زندگی‌نگاری موجب شده که جولیا لاجت‌نواک^۱، از این مفهوم به «سوپرژانر»^۲ تعبیر کند: «از آنجا که زندگی‌نویسی در ژانرها، رسانه‌ها، قالب‌ها، مکان‌ها و بسیاری از ژانرها ظاهر می‌شود، تقریباً می‌توان آن را به‌عنوان نوعی سوپرژانر امروزی تصور کرد که دنیای پست‌مدرن ما را فراگرفته است؛ به‌ویژه از زمان ظهور اینترنت» (۲۰۱۹: ۱۱). این گونه نوشته‌ها با

1. Julia Lajta-Novak

2. Super-genre

اشتمال بر روایت‌های آسیب‌دیدگی، زنان، اعتراف، بیماری، معلولیت و از این قبیل، به‌ویژه در حال حاضر با ظهور اشکال مختلف سایبری و رسانه‌های اجتماعی، در حال گسترش روزافزون است.

وجه دیگر گستردگی این زمینه، به فراگیری عام آن در سراسر دنیا مربوط می‌شود. درحالی‌که زندگی‌نگاری معمولاً یک سنت اروپایی در نظر گرفته می‌شود، تأکید ویژه‌ای بر شیوه‌های بازنمایی خود در فرهنگ‌های غیرغربی و دیدگاه‌های بین‌فرهنگی و فرافرهنگی دارد. این ویژگی، راه را بر عرصه‌های تطبیقی و موضوعات بین‌المللی گشوده است؛ برای مثال، فعالیت‌های حقوق بشری بر اهمیت این مقوله در اطلاع‌رسانی درباره‌ی ویژگی‌های شرایط محلی بغرنج و ناکافی بودن چهارچوب مدرنیستی برای توجه جامعه جهانی تأکید می‌کند؛ چنان‌که بازار بین‌المللی برای بیان ماجراهای شخصی در مناطق مختلف دنیا در این نوشته‌ها داغ شده است.

وجه دیگر این توسعه‌مندی، تنوع رسانه‌ای است. زندگی‌نگاری را نمی‌توان تنها به قالب‌های نوشتاری محدود کرد؛ بلکه خصوصاً طیف متنوع و گسترده‌ای از قالب‌های نوشتاری، شنیداری، دیداری و نیز ترکیبی، امروزه عرصه تولید و اقبال به روایات زندگی شده که به‌خصوص در شیوه‌های فرهنگی تأثیر گذاشته است؛ برای مثال می‌توان به همه انواع هنرهای تجسمی یا بصری اشاره کرد. در اینجا توجه به این نکته قابل تأمل است که پسوند *graph* در *biography* و *autobiography* می‌تواند هم به معنای «نوشتن» و هم «ترسیم‌کردن» باشد؛ در بیان «نوشتن زندگی» و «ترسیم زندگی» به انحای مختلف؛ اما در کنار قالب‌های بصری، نمی‌توان از گفتار و قالب‌های شفاهی که چه بسا قدیمی‌ترین هستند، چشم پوشید. در نگاهی دیگر نیز، نوشتن در این زمینه چنان وسیع است که خواه ناخواه نویسندگان و محققان در حوزه‌های دیگر به‌طور فزاینده‌ای متوجه می‌شوند که چقدر از نوشتن و نوشته‌هایشان در سایر عرصه‌ها، درواقع در قلمرو زندگی‌نویسی است.

ماهیت دموکراتیک

یکی از زمینه‌های شکل‌گیری و وسعت بی‌شمار روایت‌های متنوع زندگی، وجه دموکراتیک آن در تئوری و مصادیق است. چنان‌که هرکسی می‌تواند از دوره باستان تا معاصر، سوره‌ای از زندگی‌نگاری باشد؛ حتی اگر او شخصاً قابل توجه نباشد، ممکن است نماینده یک شغل، دوران، موقعیت جغرافیایی، گروه اجتماعی یا شیوه زندگی باشد؛ از رؤسای جمهور و سیاست‌مداران و واعظان و نویسندگان و مخترعان که بیشتر آن‌ها موفق‌تر از بقیه هستند گرفته، تا مردم عادی. در این

رویکرد، روایت‌های شخصی، روایت‌های شفاهی و شهادت‌های زندگی به همه افراد اجازه می‌دهد تا به قلمرو زندگی‌نویسی وارد شوند. از نظر کادار نیز آنچه این مفهوم را به درک زندگی‌نویسی گسترده‌تر می‌کند، آن است که متون اتوبیوگرافیک مکتوب توسط مردان و زنان، نه ادبی و عالی؛ بلکه معمولی هستند (۱۹۹۲: ۵).

شکوفایی زندگی‌نوشت در طول تاریخ نیز نشان می‌دهد که این مفهوم به‌طور سنتی در اختیار مطلق هیچ‌یک از طبقات اجتماعی نبوده است؛ چنان‌که مجموعه‌ای از انگیزه‌های خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی، محیطی و از این قبیل که گاه بازتاب دیدگاه‌های نظری رایج مثل فرویدیسم، مارکسیسم، فمینیسم و پسااستعماری هستند، افراد را تحت تأثیر قرار داده و به ثبت روایت‌های زندگی ترغیب کرده است.

جنبه میان‌رشته‌ای

زندگی‌نویسی به‌طور ذاتی، میان‌رشته‌ای^۱ است و ظرفیتی دارد که از مرزها و رشته‌های ژانر عبور می‌کند. میان‌رشته‌ای یا بین‌رشته‌ای، از مهم‌ترین واژه‌های مهم و متداول دانش طی چند دهه اخیر است که در کنار تعاریف متعدد، در ساده‌ترین معنا به مفهوم تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله پیچیده یا معضله اجتماع چندوجهی در نظر گرفته می‌شود (خورسندی طاسکوه ۱۳۸۸: ۵۸). در کنار معناهای رایج از این مفهوم که بیشتر به حوزه علوم انسانی محدود است، همکاری کارشناسان رشته‌های مختلف درباره موضوعات مشترک مطالعه نیز عنوان میان‌رشته‌ای می‌گیرد. وقتی این مسئله به‌سبب گسترش موضوعات و مضامین از طرفی و نیز روش‌های تحلیل و بررسی از طرف دیگر، جدی گرفته می‌شود، می‌توان به یک پل روش‌شناختی بین موضوعات مختلف علوم و تجربه‌گرایی پی برد و درست از همین جاست که روایت‌های زندگی در تحقیقات علوم اجتماعی و انسانی اهمیت می‌یابد؛ به‌طوری‌که در طول دهه‌های گذشته، زندگی‌نویسی نه تنها بیش از پیش، به شکلی از تولید نوشتارهای حاوی روایت زندگی ظاهر شده؛ بلکه به زمینه‌ای متنوع، فراگیر و در حال گسترش از مطالعات آکادمیک درآمده است. به همین سبب، همواره محققان بنا بر ویژگی چندرشته‌ای آن هشدار می‌دهند که زندگی‌نگاری را به هیچ‌وجه نباید محدود به مورخان، متخصصان ادبیات و نویسندگان خلاق دانست؛ بلکه به سراسر هنرها و علوم مرتبط است و می‌تواند در طیف وسیعی از پژوهش‌های علوم انسانی در زمینه‌های مختلف، نظیر مطالعات زنان، جنسیت، درمان، خانواده، علوم‌شناختی، به کمک فیلسوفان، روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، قوم‌شناسان، مردم‌شناسان و حتی

پزشکان و متخصصان علوم طبیعی آید و محقق خودآگاه، می‌تواند با استفاده از این ظرفیت عظیم، داده‌های مربوط به نظریه‌ها را درک و تحلیل کند.

مفهوم انتقادی

اساساً اصطلاح زندگی‌نویسی برای همگام‌شدن با تکامل سریع فرم‌های زندگی‌نویسی و ترکیب بینش‌های جدیدی که در این زمینه به دست می‌آید، به وجود آمد تا آثار متنوع در این زمینه را منعکس کند؛ چنان‌که این اصطلاح، هم به ژانر اصلی که از آن سخن رفت و هم به اظهارنظر انتقادی درباره آن معنا می‌دهد؛ بنابراین همه دست اندرکاران این زمینه سعی کردند رویکردی گسترده و فراگیر به این ژانر داشته باشند؛ برای مثال، به گزارش زکری لیدر، نوشته‌هایی که قبلاً در دانشگاه‌های انگلیس و آمریکا کم‌ارزش بودند، زمانی که زندگی‌نویسی به عنوان یک ژانر ادبی، جای زندگی‌نامه و زندگی‌نامه‌نویسی را گرفت، به نوعی توانستند علاقه دانشگاهیان را نیز به خود جلب کنند. این چرخش، تاحدی به این دلیل بود که این نوشته‌ها تمایز بین «ادبیات» و «نویسندگی» را از بین برد (۳).

طی دو دهه اخیر، تغییر و تحولات این مفهوم از مطالعات خود/ زندگی‌نامه‌ای^۱ به مطالعات زندگی‌نویسی^۲ در معنایی گسترده شامل همه انواع و همچنین دگرگونی‌های رسانه‌ای، امکان بررسی جامعی از رویکردهای نظری، جنبه‌های نظام‌مند و مسائل تاریخی آن را در عرصه بین‌المللی فراهم کرده است؛ زیرا حرکت از مطالعات خود/ زندگی‌نامه به مطالعات زندگی‌نویسی، به گسترش موضوع مطالعه از متون ادبی و تاریخی به روایت‌های زندگی منتهی و موجب می‌شود محققان مرتباً هدف خود را دوباره مفهوم‌سازی کنند؛ خصوصاً که این تحولات با رویکردهای نوین ساختارگرایی و پس‌اساختارگرایی، تئوری‌های فمینیستی و پسااستعماری و همچنین ظهور مطالعات فرهنگی همراه بوده و در توجه انتقادی به آن، طیف‌ها و صداها یی که قبلاً خاموش بودند، مانند زنان، رنگین‌پوستان، معلولان، مردم بومی و اخیراً کودکان نیز خود را نشان داده‌اند؛ از طرف دیگر، همین بستر انتقادی امکان در نظر گرفتن نوشتارهای به دور از زمینه‌های ادبی، مانند شهادت‌ها و نیز اشکال گرافیکی، سمعی و بصری و حتی اشکال دیجیتال، عکاسی، فیلم‌های سینمایی و ویدئو و رسانه‌های اجتماعی را فراهم کرده است (McCooley 2017: 277). به این ترتیب، از طرفی گسترش علاقه عمومی به گزارش‌های زندگی تاریخی در دهه‌های اخیر که در کلماتی مانند «رونق

1. auto/biography studies
2. life-writing studies

زندگی‌نامه^۱ یا «شور خاطره‌نویسی»^۲ (Novak 2017: 1) بازتاب یافته، و از طرف دیگر، رویکردهای انتقادی به این روایت‌ها، موجبات گسترش مطالعات زندگی‌نویسی را فراهم آورده است.

بُعد انفجاری در عصر جدید

سنت زندگی‌نویسی، در طول تاریخ ادبی، انواع و اشکال مختلفی را توسعه داده است؛ به‌خصوص در عصر جهانی‌شدن که در آن، رسانه‌ها و سایر عوامل تکنولوژیک فرهنگی به دگرگونی سریع سبک زندگی کمک می‌کنند، زندگی‌نویسی محبوبیت و اهمیت خود را نه تنها حفظ کرده، که افزایش داده است. با تغییر هویت‌های فردی و اجتماعی در سال‌های اخیر، درک و دریافت بشر از زندگی و ضرورت ضبط روایت‌های آن در مسیری متمایز و روشن‌تر از قبل پیش رفته که مهم‌ترین نمود آن، فراگیری و رونق بی‌سابقه در میان عموم مردم است. در این خیزش ناگهانی، تعداد فزاینده‌ای از افراد سرشناس یا عامه، بر آن شده‌اند تا در مقابله با روند محو شدن روایات زندگی خویش و خویشاوندان و حتی نسل و خاندان‌های گذشته، جایگاه خود را در جهان پیدا و ثبت کنند؛ بنابراین زندگی‌نگاری به‌منزله نیروی قدرتمندی در خارج از دنیای آکادمیک، به طرق مختلف به یک پدیده بین‌المللی و به اصلی‌ترین بخش‌های صنعت انتشارات تبدیل شد. با ظهور ارزان‌قیمت کتاب دیجیتال در دهه اول قرن بیست‌ویکم، این اَبَرژانر (فراگونه) بیش از پیش مورد اقبال قرار گرفت و ثبت و خوانش میراث شخصی، نه تنها به‌منزله جلوه‌ای از هنر و ادبیات یا سند تاریخی، بلکه یک مسئولیت شخصی و خانوادگی شناخته و رایج شد؛ چنان‌که برنامه‌های مستند زندگی تلویزیون و فیلم‌های زندگی‌نامه، در ردیف محبوب‌ترین و پُر فروش‌ترین بیان‌های فرهنگی قرار گرفتند. در این میان، اینترنت به‌عنوان عامل مهمی که جهان را وارد عصر جدیدی کرد، موضوعات و سوژکتیویته‌های متفاوتی به ظهور رساند که به انفجار در نمونه‌ها، قالب‌ها و رسانه‌های زندگی‌نویسی منجر شد؛ خصوصاً که نظم اقتصادی جهانی نیز راه تغییر در پیش گرفت که همراه با تغییرات سیاسی و منسوخ‌شدن سیستم سرمایه‌داری تک‌قطبی، در متن‌های تولیدی در رشته‌های مختلف در سراسر جهان بازتاب یافته است. تأثیر اینترنت تنها به تغییر صنعت انتشارات متوقف نماند و ایجاد ساختارهایی مانند شبکه‌های اجتماعی و پدیده سلبریتی^۳ و شهرت‌خواهی، با نیاز روزافزون صنعت اطلاعات و سرگرمی به چهره‌های

1. biography boom
2. memoir craze
3. Celebrity

مشهور (سلبریتی‌ها)، برخی را ترغیب کرد تا به راحتی مدارک زندگی‌نگاری^۱ جذاب پدید آورند؛ چنان‌که امروزه زندگی‌نگاری دیگر عمدتاً توسط رجال سرشناس و در قالب‌های شناخته‌شده مرسوم صورت نمی‌گیرد؛ بلکه این پدیده همه‌جا حاضر، بخشی از روزمرگی افراد شده است. به قول کریگ هاوز^۲ در مصاحبه با آن براتس^۳ درباره اهمیت زندگی‌نگاری، امروزه امکانات برای مستندسازی زندگی‌ها دست‌کم از طریق عکس‌های سلفی و توئیت‌ها بی‌پایان است (۲۰۱۵)؛ به این ترتیب، همچنان‌که با دغدغه‌های فزاینده در مجامع علمی، مسئله‌هایی بسیار و بی‌سابقه درباره نحوه ادعای هویت و دست‌یابی به اصالت زندگی‌نویسی پدیدار شده، طیفی از تحولات اجتماعی و اقتصادی، امکان ابراز وجود را تغییر داده است. ممکن است در آینده نزدیک، الگویی برای نوشتن زندگی‌ها نباشد و نظم جدیدی به وجود آید که در آن جنسیت، نژاد، طبقه، تجربه، عملکرد، موقعیت، رابطه‌گرایی و تضاد، در میان مفاهیم دیگر، زمینه جدیدی را ایجاد و ژانرهای احتمالی نوینی را آشکار کند.

نتیجه

در کنار رواج نمونه‌های متعدد و متنوع روایت‌های زندگی در دنیای امروز، طیف وسیعی از رویکردهای توصیفی - انتقادی طی دهه‌های اخیر، مطالعات «زندگی‌نگاری» را به یکی از زمینه‌های پُررونق تحقیقات میان‌رشته‌ای تبدیل کرده است؛ به این ترتیب که از طرفی، تعدد انواع، ویژگی‌ها، خاستگاه‌ها، موضوعات، زمینه‌ها و اثرات زندگی‌نگاری، محققان را خصوصاً از آغاز قرن جدید به کنکاش در این قلمرو سوق داده و از طرف دیگر، هرچه بیشتر می‌گذرد، این روایت‌ها به‌طوری فزاینده در پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی محل اعتنا قرار می‌گیرند؛ چنان‌که امروزه در دیدگاهی متفق‌القول، تردیدی وجود ندارد که مطالعات زندگی‌نگاری محدود به متخصصان تاریخ و ادبیات نیست و اغلب پژوهشگران در زمینه‌های مختلف علوم انسانی، خود را به بهره‌مندی هدفمندانه از این روایت‌ها وابسته می‌بینند؛ اما ما در ایران، به‌رغم وجود نمونه‌هایی در سنت نوشتاری و خصوصاً اینکه بیش از یک‌ونیم قرن است روایات زندگی با خاستگاه‌ها و زمینه‌های متعدد فکری، فلسفی، سیاسی و اجتماعی از سوی افرادی در طبقات مختلف جامعه تولید می‌شوند، همچنان از این گستره دانش نوین دنیای امروز برکناریم؛ به‌طوری‌که نه‌تنها هیچ نشانی از پژوهش‌ها و پژوهشگران ایرانی

1 . life-writing document

2 . Criage Howes

3 . Anne Brughts

در مجامع و رویدادهای علمی در خارج از کشور به چشم نمی‌خورد؛ بلکه حتی در داخل کشور نمی‌توان از مرکز، مجله، دانشکده، گروه آموزشی و پژوهشی، مؤسسه علمی و حتی پژوهشگری متمرکز بر پیشبرد مطالعات زندگی‌نگاری یاد کرد. از این فراتر، حتی در ایران هنوز هویتی مستقل برای این گستره فراخ بازشناخته نشده است و به نظر می‌رسد از همین جا لازم است گام نخست در مسیر مطالعات هدفمند برداشته شود؛ به عبارت دیگر، آغاز و ارتقای فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی در این عرصه، جز با هویت‌یافتگی زندگی‌نگاره‌ها به‌منزله قلمرویی گسترده، در کنار دو قلمرو آشنای تاریخ و ادبیات ممکن نیست. این مقاله، به همین سبب و با هدف طرح ایده و چشم‌انداز گشایی و ترسیم کلیاتی از مسائل نظری زندگی‌نگاری پدید آمد. نگارنده این مفهوم را مترادفی برای *life writing*، اصطلاحی متداول در عرصه‌های علمی و فرهنگی در نظر گرفته است که امروزه در سراسر دنیا در هر دو مفهوم «مصدر فعلی» معادل زندگی‌نگاری، و «اسم مصدر» معادل «زندگی‌نگاره»، در بیان عمل ثبت روایت‌های زندگی و نیز گونه‌ای (ژانر) فراگیر مشتمل بر گونه‌های متنوع حاصل رواج دارد. این اصطلاح با سابقه ظهور در قرن هجدهم میلادی، بیشتر از دو دهه پایانی قرن بیستم به‌عنوان یک مفهوم انتقادی مورد استفاده قرار گرفته و به‌طور خاص از آغاز قرن بیست‌ویکم در میان دانشگاهیان و پژوهشگران اقبالی بسیار یافته است.

به‌طور کلی، زندگی‌نگاری با دو مفهوم «ماجرای زندگی» و «غیرساختگی» مرتبط است و به همین سبب، می‌توان روایت‌هایی را که در این چهارچوب شکل می‌گیرند، ذیل یک ژانر کلی یا «آبرژانر» (فراگونه) با انبوهی از زیرژانرها بازشناخت. این گونه فراخ، شامل نوشتن شرح زندگی و البته فراتر از آن، در قالب‌های مختلف نوشتاری، دیداری، شنیداری و ترکیبی است و جز انواع متداولی نظیر خود/زندگی‌نامه‌ها، خاطره‌نامه‌ها، نمایش‌نامه‌ها، موسیقی‌ها، آگهی‌های ترحیم، وبلاگ‌ها، وصیت‌نامه‌ها، سنگ‌قبرها و رسانه‌های اجتماعی، مانند تویییت و استوری شبکه‌های مجازی مانند اینستاگرام را با اهدافی گوناگون، نظیر معنوی، اعترافی، آموزشی، هیجانی، درمانی و روانی شامل می‌شود.

در کنار زندگی‌نگاری که همه انواع ثبت روایات زندگی را دربرمی‌گیرد، ما در عرصه نوشتاری، اصطلاح «زندگی‌نویسی» و نیز «زندگی‌نوشت» را به‌منزله مترادفی برای همه انواع آن وضع کردیم. زندگی‌نویسی نیز به قالب بیانی خاصی محدود نمی‌شود و ساختارهایی متنوع و متعدد از کتیبه‌ها و پاره‌نوشته‌ها را تا روایت‌های خطی سلسله‌مند دربرمی‌گیرد. ما در این قلمرو، تمام آثار مکتوبی را که به‌نحوی، حاوی روایتی واقع‌گرایانه از زندگی بشر باشد و با ماهیتی تاریخی - ادبی، به ثبت

هدفمند خاطرات، تجربیات، دیدگاه‌ها و احساسات شخصی پردازد، در نظر داریم. به این ترتیب، زندگی‌نوشت، در کنار نوشتارهای دو قلمرو تاریخ و ادبیات، گونه‌ای اصلی و گسترده مشتمل بر ماجراهای واقع‌گرایانه زندگی است که ذیل دو نوع اصلی زندگی‌نوشت‌های سوم‌شخص (او- راوی) و زندگی‌نوشت‌های اول‌شخص (او- راوی)، انواعی نظیر زندگی‌نامه، خودزندگی‌نامه، روزنامه خاطرات، یادداشت‌های شخصی، نامه شخصی، زندگی‌نامه داستانی، خاطره‌نامه و تک‌خاطره را به‌منزله انواع فرعی ذیل خود جای می‌دهد. شناخت این روایت‌های روزافزون و بحث درباره ویژگی‌ها و گونه‌های فرعی متنوع هر یک، مقدمه بهره‌مندی از این ظرفیت عظیم بین‌رشته‌ای در پژوهش‌های مختلف علوم انسانی را فراهم خواهد آورد؛ از این جهت، جا داشت تاکنون در ایران از این مهم غفلت نمی‌شد. با وجود فاصله بسیار تا تحقق اهداف زندگی‌نگاری در کشورمان، به نظر می‌رسد لازم است برای ایجاد و بالندگی این مطالعات، تلاش‌هایی در این جهت صورت گیرد:

- افتتاح و بالندگی مراکز و گروه‌های تخصصی آموزشی و پژوهشی، برای تربیت دانشجویان دوره‌های تحصیلات تکمیلی زندگی‌نگاری؛
- تشکیل انجمن‌های متمرکز بر زندگی‌نگاری، در قالب گروه و گروه‌هایی از متخصصان علاقه‌مند و فعال در این عرصه، خصوصاً از میان دانشجویان و فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی؛
- برگزاری مجامع و گردهمایی‌هایی هدفمند و منظم در زمینه‌های زندگی‌نگاری و حتی میزبانی این مجامع در عرصه بین‌الملل؛
- انتشار هدفمند کتاب‌ها و مجلات مختلف کاغذی و رقومی، برای ارائه نمونه‌ها و نیز دستاوردهای پژوهشی این عرصه؛
- برگزاری منظم جلسات معرفی و نقد انواع نمونه‌های زندگی‌نگاره/ زندگی‌نوشت؛
- حضور مؤثر در مجامع بین‌المللی در معرفی زندگی‌نگاره‌ها/ زندگی‌نوشت‌های ایرانی.

پی‌نوشت‌ها:

۱. برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ پیشینهٔ زندگی‌نامه‌نویسی در غرب و جهان اسلام، رک. فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، عباس جلالی و دیگران، به سرپرستی حسن انوشه، ویراستهٔ سیروس مهدوی، تهران: رجاء، ۱۳۶۹، صص. ۹۵۰.
۲. تخصص جولی ایکرل و میشل داو نیز عمدتاً زندگی‌نگاری انگلیسی خصوصاً از سوی زنان است؛ ازجمله در:

Recent studies in early modern English life writing,. The University of Chicago Pres: 2010; *Genre and Women's Life Writing in Early Modern England*, Routledge, 2007

توماس کیوسر نیز در کنار توجه به موضوعات عمومی روایات شخصی، مطالعات معلولیت، بیماری و ناتوانی و ارتباط آن با نوشتن زندگی را دنبال می‌کند؛ ازجمله در:

Memoir: An Introduction, Oxford University Press: 2011; *Recovering Bodies: Illness, Disability, and Life Writing*, University of Wisconsin Press, 1997

سون پرکرتس به موضوعات عمومی خاطره‌نویسی توجه دارد؛ خصوصاً در:

The Art of Time in Memoir: Then, Again., Graywolf Press, 2007. *Reading Life: Books for the Ages*, Graywolf Press: 2007

اهمیت جو گیل و ملانی واترز، در تلاش برای ارائهٔ مجموعه مقالاتی در کشف رابطهٔ خودزندگی‌نوشت و شعر، به‌ویژه در این اثر است:

Poetry and Autobiography, London: routledge, 2011

کریستوفر کاوولی بر فلسفهٔ زندگی‌نگاری متمرکز است که بخش قابل‌توجهی از آن در این دو اثر آمده است:

Philosophy and Life Writing: routledge, 2018; *The Philosophy of Autobiography*, University of Chicago Press; 2015.

آسترید راش بر شرح و بسط نحوهٔ رواج زندگی‌نگاری، با پایان‌فروریختگی ساختارهای قدرت جهانی و شکوفایی ذهنیت‌های فردی در قرن بیستم و برآمدگی هویت‌های ملی متمرکز است در:

Life Writing After Empire, London: routledge, 2018

دیوید مک‌کوی و ماریا تاکولندر در پُررنگ‌ترین تلاش، به محدودیت‌های ثبت روایت‌های زندگی نظر دارند؛ در:

The Limits of Life Writing, routledge, 2019

کایتیونا نی دُهیِل بر برخی تأملات جنسیتی و ذهنیت در شکل‌گیری زندگی‌نویسی متمرکز است، از جمله در:

Imagining Gender in Biographical Fiction, London: Palgrave Macmillan, 202;
Metabiography: Reflecting on Biography, Palgrave Macmillan: 2020

کایلی کاردِل به زمینه‌ها و تفاوت‌های فرهنگی در ایجاد زمینه‌های انتقادی نظر دارد؛ از جمله در:

Essays in Life Writing, Routledge: 2022; *Telling Tales: Autobiographies of Childhood and Youth*, Routledge: 2017

آنا بلن به‌ویژه بر فرم‌های جدید ناظر است؛ در:

New Forms of Self-Narration: Young Women, Life Writing and Human Rights, Palgrave Macmillan, 2020

مهم‌ترین تلاش مارگارتِ جولی در این گستره، به تهیه دایره‌المعارف زندگی‌نوشت مربوط می‌شود:

Encyclopedia of Life Writing: Autobiographical and Biographical Forms, edited by Margaretta Jolly, 2 vols, London: routledge, 2001

۳. ر.ک. «انواع زندگی‌نوشت‌های فارسی»، محبوبه شمشیرگرها، *ادبیات پارسی معاصر*، سال هشتم، ۱، صص. ۴۳-۷۰

۴. برای مثال ر.ک. «تک‌خاطره و مجموعه تک‌خاطرات فارسی: گونه‌ای از زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌محور». محبوبه شمشیرگرها، *ادبیات پارسی معاصر*، ۲، ۱۳۹۹، صص ۱۵۷-۱۸۸؛ «خاطره‌نامه‌های فارسی: گونه‌ای رایج در میان زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت». محبوبه شمشیرگرها، *جستارهای نوین ادبی*، پیاپی ۲۱۳، ۱۴۰۰، صص. ۷۷-۱۰۳.

۵. ر.ک. *خاطرات‌نویسی ایرانیان*. برت فرگنر، ترجمه مجید جلیلود رضایی، تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۶. شماره مجلاتی که در آن‌ها به مباحث نظری نیز توجه شده، عبارتند از: ۶، بهار ۱۳۶۶، صص. ۱۳-۲۵؛ ۷، تابستان ۱۳۶۶، صص. ۴۸-۱۵؛ ۹، زمستان ۱۳۶۶، صص. ۳۹-۲۹؛ ۸، پاییز ۱۳۶۶؛ ۱۰، بهار ۱۳۶۷، صص. ۵۴-۳۱؛ ۱۱، تابستان ۱۳۶۷، صص. ۴۵-۳۵؛ ۱۲، پاییز ۱۳۶۷، صص. ۸۲-۷۰؛ ۱۳، زمستان ۱۳۶۷، صص. ۴۲-۲۷.

۷. او در کنار ارائه دیدگاه‌هایی درباره تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری و تصحیح متون، به‌طور ویژه در مقالاتی متعدد و چند کتاب در جایگاه مؤلف، مصاحبه‌شونده یا سرویراستار مجموعه مقالات، بیش از دیگران و به‌طور جدی به حوزه خاطره‌شناسی، اعم از تاریخچه، مسائل نظری و بایسته‌های کاربردی توجه داشته است؛ برای مثال ر.ک. *یادمانا: پنج مقاله درباره خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشته‌های جنگ*

و جبهه/ دفاع مقدس. تهران: سوره مهر، ۱۳۸۱؛ با یاد خاطره. تهران: سوره مهر، ۱۳۸۳؛ پرسمان یاد. تهران: صریح، ۱۳۹۴.

۸. ر.ک. خاک و خاطره؛ راهنمای خاطره‌نویسی جنگ. احمد دهقان، تهران: صریح، ۱۳۸۶.

۹. او که مترجم، داستان‌نویس و منتقدی سرشناس است، گاه مباحثی کوتاه و گذرا درباره خاطره‌نگاری نیز از خود به جای گذاشته است؛ از همه مهم‌تر، ر.ک. نقش‌هایی به یاد: گذری بر ادبیات خاطره‌نویسی. تهران: گمان، ۱۳۹۵.

۱۰. او مقاله‌ای مفصل درباره تاریخچه خاطره‌نویسی ایرانیان دارد: «سابقه خاطره‌نگاری در ایران». بخارا، ۷۴، ۱۳۸۸، صص. ۳۳۹-۳۶۳.

۱۱. او در این کتاب به مبحث خاطره‌نویسی با تأکید بر دوره انقلاب اسلامی و جنگ ایران و عراق/ دفاع مقدس پرداخته است: نگاهی تازه به خاطره‌نویسی و بررسی و نقد خاطرات آزادگان جنگ تحمیلی و خاطره‌نگار د. تهران: صریح، ۱۳۹۰.

۱۲. او در بخشی از این کتاب، مروری بر بسیاری از کتاب‌های حاوی روایت‌های زندگی در دوره قاجار دارد: قدرت و روایت در دوره قاجاریه (خاطره، سفرنامه، داستان، نمایش‌نامه)، همدان: دانشگاه بوعلی سینا، ۱۴۰۲.

۱۳. پژوهش‌های این دو تن را می‌توان در راستا و تکمیل‌ای بر اثر برت فرگنر دانست: خاطرات و سفرنامه‌نویسی در عصر قاجار. محمدرضا حاج‌بابایی، تهران: نگاه امروز: اندیشه خوارزمی، ۱۳۸۵؛ و نیز خاطره‌نویسی و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری عصر قاجار. سمیه عباسی، تهران: سخنوران، ۱۳۹۶.

۱۴. ر.ک. زندگی‌نامه‌ها. محمد عبدالغنی حسن، ترجمه امیره ضمیری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.

۱۵. ر.ک. فرهنگ زندگی‌نامه‌ها، صص ۹-۵۰.

۱۶. ر.ک. زندگی‌نامه خود را بنویسید: حتی اگر مشهور نیستید. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۴.

۱۷. ر.ک. چگونه زندگی‌نامه بنویسیم برایان آزیرون و ریچارد سایر، ترجمه محسن سلیمانی. تهران: سوره مهر، ۱۳۹۲. این کتاب طی دو قسمت، در ترجمه بخش‌هایی از دو کتاب نوشتن بیوگرافی و اتوبیوگرافی و چگونه بیوگرافی و تاریخچه شرکت بنویسیم؟ حاصل آمده است. اصل این کتاب‌ها عبارتند از:

Osborne, Brian D., *Writing biography & autobiography*, London: A&C Black, 2004.

Swayer, Richard V., *How to write biography & company histories?*, Missoula: Mountain Press Pub. Co., 1989

۱۸. رک. از سرگذشت نویسی به داستان نویسی (آیینی نو در نگارش). قدسیه رضوانیان. بابلسر: دانشگاه مازندران، ۱۳۸۸.

۱۹. رک. فرهنگنامه ادب فارسی، به سرپرستی حسن انوشه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۷۶.

۲۰. رک. انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی. حسن رزمجو، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.

۲۱. همچنین در تکمیل این پیشینه، مقدمه‌هایی که گاه بر برخی آثار، غالباً خود/ زندگی‌نامه‌ها نوشته شده، قابل توجه است؛ مثلاً در آغاز یادواره‌های یک بچه‌قزاق: خاطرات سرتیپ آیرملو از خسرو معتضد و مقدمه فرهنگ ناموران معاصر ایران.

۲۲. او آثاری نظیر سفرنامه، خاطره، زندگی‌نامه، یادداشت و گزارش‌های شخصی با تمرکز بر موضوع جنگ از خود به جا گذاشته است؛ برای مثال، رک. ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (پیشنهاد برای پژوهش و مطالعه). تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.

۲۳. او در آن کتاب، به موضوع خاطره و یادداشت‌نویسی توجه کرده است: آشنایی با ادبیات دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۹۰.

۲۴. ابعادی از زندگی‌نامه داستانی با تمرکز بر آثار جنگ، در این کوشش او کاویده شده است: مبنای زندگی‌نامه داستانی. دستیاران پژوهش: سمیه علم‌زاده و رؤیا سلیمی، تهران: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، شاهد، ۱۳۹۱.

۲۵. چند مجموعه مقاله در این موضوع قابل توجه است؛ برای نمونه رک. مقوله‌ها و مقاله‌ها: بررسی ادبیات دفاع مقدس، مجموعه مقالات و نشست‌هایی در موضوعات خاطره و شعر و داستان و زندگی‌نامه داستانی. به کوشش محمدقاسم فروغی جهرمی، ۱۳۸۹؛ تأملی در زندگی‌نامه داستانی دفاع مقدس. به کوشش محمدقاسم فروغی جهرمی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، ۱۳۸۸.

۲۶. شماره ۱۱-۱۰، بهار ۱۳۷۴، ویژه خودسرگذشت؛ شماره ۲۴-۲۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۱، ویژه نوشتن درباره خود.

۲۷. شماره ۶۴، دی ۱۳۸۶، ویژه‌نامه خاطره‌نویسی.

۲۸. شماره ۹، شهریور ۱۳۹۰، ویژه‌نامه خاطره؛ شماره ۲۵، آبان ۱۳۹۱، ویژه‌نامه یادداشت روزانه؛ شماره ۳۰، فروردین ۱۳۹۲، ویژه‌نامه سفرنامه؛ شماره ۳۲، خرداد ۱۳۹۲، ویژه‌نامه خاطره‌نویسی.

۲۹. شماره ۸۸ و ۸۹، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، ویژه‌نامه سفرنامه‌ها.

۳۰. شبیه این واژه را پیشتر، مترجم کتاب ادبیات من، در مفهوم نمونه‌های عینی خودزندگی‌نگاری

به کار برده است؛ با این تفاوت که او با توجه به بافت کتاب، از این معادل برای اصطلاح *life writing* استفاده کرده است؛ حال آنکه در نگاهی فراتر به عرصه فراخ زندگی‌نگاری، لازم است همه انواع مختلف آن در نظر گرفته شود؛ اعم از آنکه فردی خود به روایت زندگی خویش، یا دیگری به روایت زندگی او پرداخته باشد.

۳۱. این دو پژوهشگر، بیش از دو دهه است که فعالیت تخصصی خود را بر کلیات این مقوله و عرصه‌های همجوار آن متمرکز کرده‌اند؛ چنانکه ویراست اول کتاب اثرگذار آن‌ها با عنوان *Reading Reaching Autoobiography: A Guide for Interpreting Life Narratives* در سال ۲۰۰۱ م. به سبب نگاه دانشنامه‌ای به ژانر خودزندگی‌نامه، در مدت زمانی کوتاه به عنوان کتاب آموزشی مرجع در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا در غرب شناخته و معرفی شد. ویراست دوم کتاب را رویا پورآذر ترجمه و نشر اطراف، آن را با عنوان *ادبیات من: راهی به فهم خودزندگی‌نگاری روایت‌های شخصی* در سال ۱۴۰۱ منتشر کرد. در ایران، این کتاب را می‌توان نخستین اثر نقدمحور جامع درباره خودزندگی‌نگاری و انواع گوناگون دانست؛ علاوه بر این، این دو پژوهشگر در همکاری با یکدیگر به تحقیقاتی دیگر درباره مباحث نظری این موضوع پرداخته‌اند، از جمله در:

Life Writing in the Long Run, Michigan Publishing, University of Michigan Library, 2017; *Reading Autobiography: A Guide for Interpreting Life Narratives*, second edition, Published by: University of Minnesota Press, 2010.

32. "Coming to Terms: Life Writing; from Genre to Critical Practice"

33. *Essays on Life Writing: From Genre to Critical Practice*, Edited by Marlene Kadar, University of Toronto Press, 1992.

۳۴. برای ملاحظه شرح تفصیلی رواج و تداول نابجای اصطلاح «خاطرات»، همراه دو اصطلاح پُرکاربرد دیگر این حوزه در میان ما ایرانیان، ر.ک. «دالات‌های چندگانه، چالشی برای مطالعات خاطره‌شناختی: با تکیه بر سه مفهوم خاطره، خاطرات و خاطره‌نویسی (مفاهیم کلیدی زندگی‌نوشت‌های شخصی خاطره‌سرشت)». *محبوبه شمشیرگرها، پژوهش‌های تاریخ شفاهی، دوره جدید، ۱، ۱۴۰۰، صص. ۸۳-۹۸.*

۳۵. *دایره‌المعارف بریتانیکا*، ذیل مدخل *biography*، زندگی‌نامه را قالبی از ادبیات معمولاً غیرداستانی معرفی کرده است. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک. www.Britannica.com

به این توجه داریم که براساس تعریف واژه ادبیات در فرهنگ آکسفورد، «ادبیات»، مجموعه‌ای از آثار مکتوب مرتبط با موضوع (مانند ادبیات محاسباتی)، زبان یا محل مبدأ (مانند ادبیات روسی)، یا با معیارهای فرهنگی رایج است. در این مفهوم آخر، ادبیات، شامل ترکیبات شفاهی و نمایشی است که ممکن است به صورت مکتوب منتشر نشده باشند؛ اما حفظ شده‌اند یا شایسته آن هستند. از قرن نوزدهم، مفهوم گسترده ادبیات به معنای مجموعه‌ای از آثار مکتوب یا چاپی، جای خود

را به تعاریف انحصاری‌تری براساس معیارهای ارزش تخیلی، خلاقانه یا هنری داده که معمولاً به نبودِ ارجاع واقعی اثر مربوط می‌شود؛ حتی محدودتر از آن، تمرکز آکادمیک بر شعر، نمایش‌نامه و داستان بوده است. تا اواسط قرن بیستم، بسیاری از انواع نوشته‌های غیرداستانی - در فلسفه، تاریخ، زندگی‌نامه، نقد، توپوگرافی، علم و سیاست - ادبیات شمرده شد. برای اطلاعات بیشتر ر.ک.

www.OxfordReference.com

۳۶. حسین رزمجو نیز از سفرنامه، زندگی‌نامه، اتوبیوگرافی، ذیل انواع ادبی در فصل اول از بخش سوم، با عنوان «آثار ادبی منشور فارسی از لحاظ قالب یا صورت» یاد کرده است؛ ر.ک. *انواع ادبی و آثار آن در زبان فارسی*، صص. ۲۳۰-۲۰۵. محمدرضا سنگری نیز زندگی‌نامه را نوع ادبی می‌خواند؛ ر.ک. *ساحت‌های مطالعاتی ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس (پیشنهاد برای پژوهش و مطالعه)*، ص ۸۳.

۳۷. یکی از رهیافت‌های اخیر نقد متون که به تاریخ‌گرایی نوین خوانده می‌شود، گزارش واقعیات تاریخی در هر متنی را مورد مناقشه قرار می‌دهد. طبق این دیدگاه، واقعیات تاریخی از کیفیتی ذهنی برخوردارند و اساساً هیچ نویسنده‌ای نتوانسته است به دلایل اغراض و ویژگی‌ها و محدودیت‌های انسانی و کیفیت سیال وقایع در بستر زمان، تصویری کامل و دقیق از گذشته فرد یا افراد انسانی ارائه کند. برای اطلاعات بیشتر در این خصوص، ر.ک. برسلر، ۱۳۸۶: ۲۵۴-۲۴۳.

منابع

- اسمیت، سدونی؛ واتسون، جولیا (۱۴۰۱). *ادبیات من: راهی به فهم خودزندگی‌نگاری روایت‌های شخصی*. ترجمه رؤیا پورآذر، تهران: اطراف.
- برسler، چارلز (۱۳۸۶). *درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی*. ترجمه مصطفی عابدینی‌فرد، ویراسته حسین پاینده، تهران: نیلوفر،
- خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸). *تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای*. *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۴، صص. ۵۷-۸۳.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۶۷). *دیداری با اهل قلم*. مشهد: دانشگاه فردوسی.

References

- Aurell, Jaume & Davis, Rocio G. (2019) History and Autobiography: The Logics of a Convergence, Life writing, VOL 16, NO 4, pp. 503-511.
- Bresler, Charles (2003). *Daramadi bar Nazariyeha va Raveshhaye Naqd-e Adabi*. Translated by Mostafa Abedinifard, edited by Hossein Payandeh, Tehran: Niloufar,
- Howes, Criage (2015) The Importance of Life Writing, in an interview with Anne Brughts, <https://storyterrace.com/the-importance-of-life-writing>.
- Jensen, Meg & Jordan, Jane (editors) (2009) *Life Writing: The Spirit of the Age and the State of the Art*, Newcastle upon Tyne: Cambridge Scholars Publishing.
- Jolly, Margaretta (2001) *Encyclopedia of Life Writing; Autobiographical and Biographical Forms*, 2 volume, Chicago: Fitzroy Dearborn Publishers.
- Kadar, Marlene (editor) (1992) Coming to Terms: Life Writing; from Genre to Critical Practice, in: *Essays on Life writing; from Genre to Critical Practice*, Toronto: University of Toronto Press.
- Khorsandi Taskoveh, Ali (2009). *Tanavvo-e Gooneshenakhti dar Amoozesh va Pazhoohesh-e Miyan-reshteie*. Motaleat-e Miyan-reshteie dar Oloom-e Ensani, nom. 4, pp. 57-83.
- Leader, Zachary (2020) Conversation with zachary leader, general editor of the Oxford History of Life-Writing', Interview with Zachary Leader, by Jeannelle

Jean-Louis, Tribout Bruno, Octobre. <https://ecrisoi.univ-rouen.fr/babel>, pp. 1-9.

Lee, Hermione (2005) *Body Parts*. London: Chatto and Windus,

McCooley, David (2017) The Limits of Life Writing, *Life Writing*, Vol 14, No 3, pp. 277-280.

Novak, Julia (2017) *Experiments in Life-Writing: Introduction*, London: Palgrave Macmillan.

Saunders, Max (2008) *Life-Writing, Cultural Memory and Literary Studies*, A Companion to Cultural Memory Studies Ed. by Erll, Astrid /Nünning, Ansgar In collab. with Young, Sara B. Berlin and New York: Walter de Gruyter, , p. 321- 332.

Smith, Sedoni; Watson, Julia (2022). *Adabiyat-e Man: Rahi be Fahm-e Khodzendeginegari-e Revayatha-ye Shakhsi*. Translated by Roya Pourazar, Tehran: Atafat.

www.Britannica.com

Yousefi, Gholam Hossein (1988). *Didari ba Ahl-e Qalam*. Mashhad: Daneshgah-e Ferdowsi.



A Necessity for Beginning Life writing Studies in Iran; The Theory of life writing, a Step towards the growth of interdisciplinary research in the humanities

Mahbubeh Shamshirgarha¹

Abstract

Life writing, with an ancient history among mankind, has increasingly created a huge and interdisciplinary movement in scientific and research centers since the late twentieth century, especially in various fields of modern knowledge, especially humanities and social sciences such as anthropology, ethnography, psychology and sociology, in branches such as women's and gender studies, cultural studies, colonial studies and postcolonialism. But in Iran, despite the long tradition of writing life narratives and the growth of its modern examples over the past century and a half, not only do we not see Life writing studies, but even its necessity and basic concepts are not well understood. With the aim of recognizing this concept as an independent identity, emphasizing the necessity of initiating these studies, and presenting a perspective on it in Iran, this article has been written to outline the idea of biography and life writing and outline its generalities. Life writing is intended as an umbrella term to encompass all works that somehow contain a realistic narrative of human life in recording personal memories, experiences, perspectives, and feelings. In the broad field of "biographies" in a variety of formats and media, including written, visual, audio, and mixed types, This concept includes a wide range of writings in the description of a life or parts thereof, in various types of life writing, such as autobiographies, fictional autobiographies, memoirs, work reports, work reports, collective biographies, memorials, testimonies, obituaries, wills, registration forms, personal resumes, obituaries, and even digital forms in blogs, tweets, stories, and the

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Research Institute of History, Department of Iranian and Islamic Studies, National Library and Archives of Iran, Iran

How to cite this article:

Mahbubeh Shamshirgarha . "A Necessity for Beginning Life writing Studies in Iran;The Theory of life writing, a Step towards the growth of interdisciplinary research in the humanities". *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 5, 2, 2025, 401-434. doi: 10.22077/islsh.2025.8664.1576



Copyright: © 2025 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



like. They develop increasingly, broadly, diversely, democratically, interdisciplinarily, and critically. Before this field is recognized as an independent identity, one cannot hope to plan and implement programs in the field of biographical studies, to establish specialized educational and research centers and groups, to produce and publish scientific achievements, to gather specialists and enthusiasts of this interdisciplinary field under scientific associations, to hold postgraduate courses and specialized and even hobbyist gatherings, to attend international forums and even to host them.

Keywords: Life writing, biography, autobiography, memoirs

How to cite this article:

Mahbubeh Shamshirgarha . "A Necessity for Beginning Life writing Studies in Iran;The Theory of life writing, a Step towards the growth of interdisciplinary research in the humanities". *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 5, 2, 2025, 401-434. doi: 10.22077/islsh.2025.8664.1576



Copyright: © 2025 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).